روزنامه پیام ما
| سال بیست‌ویکم | شماره پیاپی ۳۲۴۷ | سه‌شنبه ۲۲ مهرماه ۱۴۰۴ | قیمت ۵ هزار تومان |
www.payamema.ir

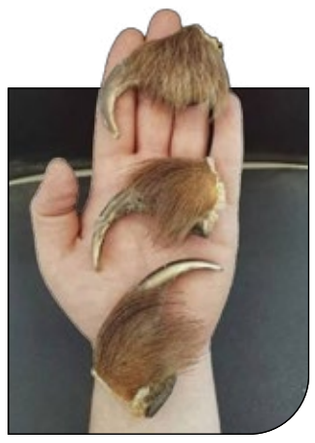

نتایج یک مطالعه درباره تجارت غیرقانونی گوشتخواران در شبکه‌های مجازی عنوان می‌کند

اینستاگرام بازار جدید قاچاق حیات‌وحش

۳

جایزه نوبل اقتصاد به پایداری

«جول موکیر»، «فیلیپ آغیون» و «پیتر هاویت» نشان دادند چگونه فناوری نوین به پایداری می‌رسد

۲

تحلیلی درباره برندگان و بازندگان یک دهه تورم

بیکارانِ دارای درآمد

۸

افزایش قیمت، سبد غذایی خانوارهای ایرانی را روزبه‌روز کوچک‌تر کرده است

تورم، لقمه از دهان مردم گرفت

۲

طرح «رینگ پساب» مشکلات آبی را حل می‌کند؟

برنامه‌های ناکافی برای نجات «اصفهان»

۵

روایت تلاقی هنر، میراث و محیط‌زیست در گفت‌وگو با مجری طرح «هنر برای حفاظت»

زمین با دستان زنان نفس می‌کشد

۴

یادداشت

بازگشت جامعه به مأموریت موزه هنرهای معاصر

| رضا دبیری‌نژاد |
| رئیس موزه هنرهای معاصر |

۱

یادداشت

«هومن جوکار» امید محیط‌زیست ایران

| هوشنگ ضیایی |
| پیشکسوت محیط‌زیست |

۳

دیدگاه

آقای معاون وزیر، متشکریم!

| زینب اسماعیلی |
| روزنامه‌نگار |

از کارمند آشنایی شنیدم در جلسه کاری ساده مجموعه‌شان که به حوزه روانشناسی مرتبط بود، همگی از برخورد علیرضا رئیسی، معاون وزیر بهداشت، با یک خبرنگار ابراز تعجب کرده و از اینکه در جلسه‌ای با عنوان سلامت روان این اتفاق رخ داده، دلخور و متأثر بوده‌اند. راستش را بخواهید و شاید باور نکنید به‌عنوان یک روزنامه‌نگار از این رفتار آقای معاون وزیر بسیار خرسندم. نه از اینکه با همکار خبرنگارمان چنین بی‌حرمتی رخ داده که ذات و طبع هر صنفی حمایت از هم‌صنفی را ایجاب می‌کند، بلکه بابت آن جملاتی که در عدم آگاهی از روشن بودن میکروفن رو به همکارش در مورد خبرنگار گفت: «یک الف‌بچه» و «عوضی».

بله، بابت شنیدن این دو کلمه از ایشان متشکرم. شاید برایتان سؤال است که چرا؟

برایتان توضیح می‌دهم. فکر می‌کنید نگاه مسئولان به اصحاب رسانه و خبرنگار و روزنامه‌نگار، کدام یکی از این دو برخورد است: برخورد آقای رئیسی که تعابیر «یک الف‌بچه» و «عوضی» را به کار می‌برد؟ یا آن جملات پرطمطراقی که در تقدیرنامه‌های روز خبرنگار و جلسات ویژه با خبرنگاران به کار می‌برند؟

ما عوضی هستیم چون ...

به‌زعم من که دو دهه در تحریریه رسانه و روزنامه و در حوزه‌های خبری متفاوتی از بهداشت و درمان، شهری، سیاست داخلی و دیپلماسی کار کرده‌ام، جمع‌بندی‌ام این است که کم‌وبیش مسئولان خبرنگار را یا موی دماغ می‌پندارند یا سیریش یا عوضی یا موجودی که نباید از جریانات کاری‌شان مطلع شود. حتی دستگاهی که به قدرت رسانه باور دارد، مانند وزارت خارجه، تنها رسانه را به‌عنوان ابزار کارش می‌پذیرد نه پرسشگر؛ و هر کجا کمی سؤالات از چارچوب خارج شود با تعبیر خلاف منافع ملی خواندن آن، در مباحثه را می‌بندد.

بله، آقای رئیسی، معاون محترم وزارت بهداشت، ما «عوضی» هستیم، وقتی که قرار است «سؤال» بپرسیم. وقتی قرار است صندلی و جایگاه و حقوقی را که شما و دیگران بابت کار اصولی نکردن به حسابتان می‌افزایید زیر سؤال ببریم، عوضی و یک الف‌بچه هستیم. بله وقتی بخواهیم برای شما و جایگاهتان چالش ایجاد کنیم، عوضی هستیم. اما اگر قرار باشد اقدامات فاخرتان در حوزه سلامت روان، بهداشت، بیمه ها و بیمارستان‌های تخصصی را پوشش بدهیم، ما اصحاب رسانه با عناوینی پرطمطراق هستیم.

مهم این است که ما کجا ایستاده باشیم و موضع ما نسبت به عملکرد مسئولان چه باشد و چه میزان التفات نسبت به عملکرد آنها به خرج بدهیم؛ بنا به آن، جایگاه ما در نگاه مدیران مشخص می‌شود. آنجاست که مشخص می‌شود ما «عوضی» هستیم یا «فرهیخته»؟ درحالی‌که نمایندگان رسانه‌های کوچک و بزرگ کشور در معرض «عوضی» ارزیابی‌شدن هستیم، اعضای سازمان صداوسیما و خبرنگارانشان فرهیختگان همیشگی و بر صدرنشینان همه جلسات هستند تا مبادا تصویری نامناسب از مدیران مخابره شود. درحالی‌که نهایت نقد صداوسیما درون چارچوب‌های موجود و نهایتاً انتشار تصاویری از خنده و شوخی با مدیران بعد از این‌گونه کنفرانس‌های خبری است؛ آن‌هم با سؤالات به‌زعم خودشان بامزه‌ای مثل سیزده‌بدر کجا رفتید و هدیه روز فلان برای همسرتان چه گرفتید و... .

به من حق می‌دهید که از جناب رئیسی متشکر باشم که به‌راحتی نشان دادند نگاه مسئولان کشور به اعضای رسانه‌ها غیر از صداوسیما چیست؟

ما در کتاب‌های دانشگاهی‌مان با رؤیای رکن چهارم دموکراسی بودن وارد کار در عرصه رسانه شدیم و استادانمان به ما یاد دادند وقتی در حال نقد عملکرد مسئولی هستید، باید هم‌تراز قوای سه‌گانه کشور عمل کنید. ولی در واقعیت کار رسانه‌ای، ما تنها زمانی اجازه ورود به نهادها و ادارات را داریم که آنها بخواهند. مسئولان ادارات و حتی کارمندان عادی تنها وقتی اجازه حرف زدن با رسانه‌ها را دارند که مسئولان روابط‌عمومی اجازه داده باشند که طبیعتاً اجازه نمی‌دهند و هر مو از ماست کشیدنی به طرفةالعینی اقدام علیه منافع ملی محسوب می‌شود و... .

پزشکانی با رویکرد انسانی کجا رفتند؟

طبیعتاً در فضای عمومی مانند یک کنفرانس و همایش همه‌مان آنچنان مغلوب جو می‌شویم که همه فرهیخته و فرهنگی و باسواد و خاضع و... به‌نظر می‌آییم. درحالی‌که دو ساعت بعد از چنین جلسه‌ای، اگر تصادف کنیم یا فروشنده و کارمندی کارمان را دیر راه بیندازد، شخصیت همه لات‌های سینمایی را در خود تجمیع و به بیرون پرتاب می‌کنیم؛ درست مانند آقای رئیسی که نشان داد درون و بیرون جلسه، حال و احوالش یکی است.

جالب اینجاست که آقای رئیسی، پزشک است و طبیعتاً از پزشکان خویی انسانی و رفتاری مهرآمیز انتظار می‌رود، نه این‌گونه پرخاشگرانه. اگرچه چندی است که کمتر پزشکی با خلق‌وخوی انسانی و مهرآمیز می‌بینیم. همین عصر، سالمندی که برای آسیب‌دیدگی استخوان پا بر اثر ضربه‌ای خفیف عکس به‌دست به پزشکی در بیمارستان مراجعه کرده، تعریف می‌کرد که تمام وقت ویزیت، پزشک تلفن به‌دست در حال دادوبیداد با فرد پشت خط تلفن بوده و آخرالامر به بیمار گفته تا کمرت را عمل نکنی، مشکلت رفع نمی‌شود. کمر کجا و آسیب‌دیدگی پا کجا دکتر جان؟! وقت کردی خودت را به پزشکی -اگر باقی مانده بود- نشان بده.

بااین‌حال، به آقای رئیسی هم پیشنهاد می‌کنم با توجه به نقش تأثیرگذار غدد و متابولیسم در رفتارهای پرخاشگرانه و هیجانی، بهتر نیست از هم‌تخصصی‌های خودشان مشورتی در مورد نزدیکی صفر و صد عصبانیتشان بگیرند؟ شاید داروهایی که مثل نقل و نبات برای دیگران تجویز می‌کنند، برای خودشان هم مفید باشد.

پاسخگویی ناخودآگاه

به همه آنچه در بالا نوشتم یک تشکر دیگر هم باید خطاب به آقای رئیسی بنویسم. اگرچه جناب معاون وزیر مشخصاً از وضعیت سلامت روان جامعه در پاسخ به سؤال خبرنگار چیزی نگفتند، اما با رفتارشان وضعیت را به‌خوبی نشان دادند. وضعیت روان ما مردم ایران همینقدر اسفناک است؛ متأثریم، زود جوش می‌آوریم و آستانه تحریکمان چند جمله بگومگو بیشتر نیست.

زدوخوردهای شفاهی و فیزیکی که هر روز در خیابان‌ها می‌بینیم، همین وضعیت را به‌خوبی نشان می‌دهد. البته مسئولش وزارت بهداشت نیست، اما کمترین مسئولیت وزارت بهداشت این است که وضعیت را به‌درستی رصد کند و هشدار بدهد. اما به‌نظر می‌رسد جناب معاون وزیر در این سطح هم نسبت به انجام وظیفه خود تمایل ندارد.

پس برگزاری نشست سلامت روان چه اهمیتی دارد؟ بهتر نیست کلّاً این نام‌گذاری را از تقویم پاک کنیم؟ فعلاً که مسئله‌ای حل نمی‌شود، صورت‌مسئله را پاک کنیم و خبرنگاری را که از وضعیت حل مسئله می‌پرسد، «عوضی» خطاب کنیم تا این چند صباح بگذرد. شاید به‌قول قدیمی‌ها خودش خشک شود و بیفتد.

یادداشت

بازگشت جامعه به مأموریت موزه هنرهای معاصر

| رضا دبیری‌نژاد |
| رئیس موزه هنرهای معاصر |

امروز موزه هنرهای معاصر تهران از چهل‌وهشت‌سالگی عبور کرد؛ موزهای که در پیدایش و عمر ۴۸ساله خود اثرگذاری بسیاری داشته است؛ اگرچه گاهی پرجلوه و گاهی خاموش بوده، اما هرگاه که از خاموشی درآمده، توانسته با جامعه تعامل و گفت‌وگو کند و همین تعامل و پویایی، سطح حساسیت آن را بالا برده است. همواره از ارزشهای گنجینه آن صحبت شده که اعتباری جهانی دارد، اما موزهها تنها نگهدارنده آثار نیست؛ حتی اگر نگه میدارند، به‌خاطر ارزشهای فرهنگی، هنری و دانشی آنهاست. مهمترین وظیفه موزه‌ها این است که این ارزشها را یادآوری و معرفی کنند و درواقع، امکان بهرهبرداری پیوسته از آنها را فراهم آورند. ازاین‌رو، موزهها از سرمایههای فرهنگی در حرکت فرهنگی و اجتماعی روایتپردازیها و بهرهبرداریهای مختلف می‌کنند تا جامعه به‌عنوان مالکان اصلی آثار و مجموعهها به داراییهای خود برسند و رابطه پیوستهای با آنها داشته باشند و این آثار بی‌ثمر از دست نروند. حالا صحبت یک مجموعه ارزشمند بینالمللی است که همه اهالی هنر و فرهنگ به آن تعلق خاطر دارند و خود را به‌نوعی صاحب آن میدانند. اینجاست که باید این سرمایه ملی و ارزشمند بینالمللی را با همین احساس تعلق فرهنگی همگانی بهرهبرداری کرد. قطعاً یک موزه با چنین جایگاهی نمیتواند صرفاً با یک واحد اداری، به تمام و کمال و در حد شأنش مورد استفاده قرار گیرد، بلکه باید به گونهای برنامهریزی شود که با مشارکت عمومی و همگانی بهرهبرداری شود. سرمایهای که میتواند نقطهای مرکزی برای مجموعهای از فعالیتهای فرهنگی باشد و همه دوستداران و علاقهمندان، واسطهای برای ارتباط با جامعه شوند.

موزه هنرهای معاصر باید شبکهای از بهرهبرداریها بسازد که به‌دلیل حیات آن لایههای مختلف از شهروندان و صاحبان صنایع فرهنگی از آن بهرهمند شوند و به تولید و پویایی صنایع و رویدادهای فرهنگی کمک کند و از سوی دیگر، همین شبکههای پیرامونی نیز به موزه کمک برسانند؛ درواقع رابطهای دوسویه شکل بگیرد، آنچه میتوانیم از آن با عنوان حامیان موزه هنرهای معاصر نام ببریم. تجربه‌ای که در موزه‌داری ما کمتر شکل گرفته است و کمتر تجربه بهرهبرداری متقابل و حمایت از موزهها را داریم. موزههایی که بتوانند بدین معنا نقش اجتماعی داشته باشند و خود را در درون جامعه جای دهند و از رابطه مطالبهگرانه به رابطه حمایتگرانه برسیم و از سوی دیگر، مفهوم ملی به‌معنای تعلق اجتماعی نیز در آن شکل بگیرد. اگرچه همه به جایگاه ملی و بینالمللی موزه هنرهای معاصر تهران اذعان دارند، اما ابزار و رابطه‌ای در شأن این جایگاه برای آن ایجاد نشده است. از سوی دیگر، موزه هنرهای معاصر تهران در جایگاه ملی خود باید نقش حامی برای سایر موزههای هنرهای معاصر کشور باشد و شبکه‌ای از موزههای هنرهای معاصر ایران را شکل دهد که بتواند از جایگاه تخصصی، آنها را پشتیبانی کند و به‌واسطه این شبکه ملی امکان بهرهمندی فراگیر را فراهم کند. موزههایی این‌چنین، امروزه مرکز فرهنگی چندمنظوره هستند که تلاش میکنند تبلور فعالیتهای فرهنگی، هنری مختلف و حتی بینارشتهای باشند که ضمن ایجاد فضایی جذاب، پویا و لذتبخش به یک مقصد در شهر تبدیل شوند که برنامههای متنوعی را برای گروههای مختلف جامعه فراهم میکنند؛ مرکز فرهنگی‌ای که با رفتار موزهای سعی میکند، مأموریت پویایی موضوع خود یعنی هنر را در جامعه دنبال کند. موزه هنرهای معاصر تهران در ۴۸سالگی خود نه می‌تواند رفتار دهه‌های پیشتر را داشته باشد و نه میتواند به نقطه آغازین خود نگاه کند، بلکه باید با اتکا به سرمایه اجتماعی به‌وجودآمده در پنج دهه گذشته نقش امروزین برای خود تعریف کند و مهمترین نقش آن بهرهگیری از سرمایه و مشارکت اجتماعی است.

آگهی مزایده عمومی

شماره ۰۰۲ /۱۴۰۴

شرکت همیارگهرحدید سیرجان
Hamyar Gohar Hadid Sirjan .co

شرکت همیار گهرحدید سیرجان در نظر دارد اقلام ضایعاتی خود را شامل (روغن سوخته موتور، بشکه فلزی خالی، لاستیک مستعمل و ضایعات فلزی) را از طریق مزایده عمومی به شرح ذکر شده در اسناد به فروش رساند، لذا کلیه متقاضیان میتوانند جهت اخذ اسناد مزایده به سایت WWW.GOHARHADID.CO بخش مناقصه و مزایده مراجعه فرمایند.

آخرین مهلت تحویل پاکات ساعت ۱۴ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۳۰ در محل دبیرخانه کمیسیون معاملات شرکت همیار گهر حدید سیرجان مي باشد. شرکت همیار گهر حدید سیرجان در قبول یا رد هر یک از پیشنهادات بدون نیاز به ذکر دلیل و بدون جبران خسارت مختار می‌باشد. ضمناً لازم به ذکر است مزایده گران می بایست اسناد خود را در پاکات مخصوصی که از دبیرخانه کمیسیون معاملات شرکت همیارگهرحدید سیرجان دریافت می نمایند به صورت مهر و موم شده تحویل دهند.

هزینه چاپ آگهی بر عهده برنده مزایده می باشد.

جهت کسب اطلاعات بیشتر در ساعات اداری با شماره تلفن های ۰۳۴۴۱۵۲۶۰۰۰ داخلی ۹۱۴۷ یا شماره ۰۹۱۳۴۵۸۵۱۱۴ تماس حاصل فرمایید.

دبیرخانه کمیسیون معاملات شرکت همیارگهرحدید سیرجان

| تسنیم |

افزایش قیمت مواد غذایی در ماه‌های اخیر، سبد غذایی خانوارهای ایرانی را روزبه‌روز کوچک‌تر کرده است

تورم، لقمه از دهان مردم گرفت

| یاسر مختاری |
| روزنامه‌نگار |

گرانی در بازار مواد غذایی ایران این روزها بسیار محسوس‌تر از همیشه است؛ اقلام پروتئینی همچون گوشت و مرغ که زمانی بخش اصلی وعده‌های غذایی بودند، اکنون برای بسیاری از خانواده‌ها به کالایی دست‌نیافتنی تبدیل شده‌اند. افزایش بی‌وقفه قیمت مواد غذایی، از گوشت و مرغ تا حبوبات و لبنیات و کوچکتر شدن سبد غذایی مردم به‌گفته یک کارشناس رفاهی، می‌تواند تبدیل به بحران معیشتی شود.

سفره‌های مردم در ایران روزبه‌روز کوچکتر می‌شوند. گوشت برای بسیاری از خانواده‌ها در حال تبدیل به یک رؤیا است. مرغ هم دست‌کمی از گوشت ندارد و در حال پر کشیدن از سفره خانوارهای ایرانی است. عموماً حبوبات به‌دلیل غنای پروتئینی به‌عنوان جایگزینی برای گوشت قرمز و ماکیان در نظر گرفته می‌شود، اما امروز قیمت آنها هم دست‌کمی از گوشت و مرغ ندارند.

> در شرایطی که درآمدها ثابت است، تورم باعث کاهش قدرت خرید واقعی مردم می‌شود و آنها نمی‌توانند با درآمد فعلی سبد معیشتی خود را حفظ کنند

افزایش هزینه سبد غذایی

براساس گزارش مرکز آمار ایران، میانگین هزینه ماهانه سبد غذایی یک خانوار چهارنفره در ایران در سال جاری بیش از ۴۰ درصد نسبت به سال گذشته افزایش پیدا کرده است. در شهریور ۱۴۰۴ هزینه سبد معیشت غذایی یک خانوار سه‌نفره شهری حدود ۱۲ میلیون و ۲۱۰ هزار تومان برآورد شد.

براساس همین گزارش، هزینه سبد خوراکی منتخب برای یک فرد در مردادماه به حدود به سه میلیون و ۷۳۲ هزار تومان رسید، که نسبت به ماه قبل از آن، ۱۸ درصد و نسبت به مدت مشابه در سال گذشته حدود ۵۶ رشد نشان می‌دهد. خوراکی‌ها و دخانیات تقریباً ۳۰ درصد از کل هزینه‌های مصرفی خانوار را تشکیل می‌دهد. بیشترین افزایش قیمت مربوط به گوشت قرمز، مرغ، برنج و روغن نباتی است و خانوارها برای تأمین نیازهای اساسی خود مجبور به صرف هزینه‌های بیشتری شده‌اند. در سال ۱۴۰۲ که جهش‌های قیمتی در مواد خوراکی، به‌ویژه در مواد پروتئینی مانند گوشت و مرغ رخ داد، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی با طراحی یک سبد غذایی پیشنهاد داد ترکیب مصرفی به‌سمت افزایش سهم حبوبات، لبنیات، تخم‌مرغ و کاهش سهم گوشت قرمز، میوه و برنج حرکت کند، تا سبد از نظر هزینه و پایداری قابل‌تحمل‌تر شود. بر همین اساس، مقادیر پیشنهادی سرانه روزانه برای سبد مطلوب ۱۴۰۲ شامل ۲۹۰ گرم نان، ۷۰ گرم برنج، ۲۵ گرم ماکارونی، ۳۰ گرم حبوبات و مغزها، ۷۰ گرم سیب‌زمینی، ۲۰۰ گرم سبزی و میوه، ۳۰ گرم گوشت قرمز، ۶۰ گرم گوشت سفید، تخم‌مرغ ۴۰ گرم، لبنیات ۳۰۰ گرم، روغن گیاهی مایع ۳۵ گرم و قند و شکر نیز ۳۰ گرم باشد. بااین‌حال، این مواد غذایی در سال ۱۴۰۴ با جهش قیمتی بیشتری از آنچه در سال ۱۴۰۲ رخ داد، مواجه شده‌اند.

رؤیای گوشت و مرغ

گشتی در بازارهای محلات مرکز شهر تهران که عموماً طبقه متوسط و کارمندی در آنها ساکن هستند، نشان می‌دهد قیمت گوشت قرمز گرم و سایر اقلام پروتئینی دیگر در حال خروج از سبدهای غذایی آنها است. در حال حاضر، قیمت ران گوسفندی بدون استخوان به حدود ۸۹۰ هزار تومان و سردست گوسفندی بدون استخوان برای بسته دو کیلوگرمی یک میلیون و ۶۳۰ هزار تومان رسیده است. همچنین، شقه گوسفندی بدون ضایعات حدود یک میلیون و ۵۳ هزار تومان، گوشت گوسفندی ماهیچه یک میلیون و ۳۹۵ هزار تومان و کباب شاندیزی گوسفندی حدود یک میلیون و ۲۶۰ هزار تومان قیمت‌گذاری شده است. گوشت گوساله، ران بدون استخوان حدود کیلویی ۹۵۸ هزار تومان، سردست پاک‌شده ۹۹۰ هزار تومان و گوشت چرخ‌کرده ۵۵۰ هزار تومان در بازار عرضه می‌شود. قیمت مرغ کامل کشتار در بازار حدود ۱۳۲ تا ۱۳۸ هزار تومان در هر کیلوگرم و ران مرغ بین ۱۳۷ تا ۱۶۰ هزار تومان رسیده است، سینه مرغ بدون استخوان نیز در محدوده ۳۰۰ تا ۳۹۰ هزار تومان عرضه می‌شود. در حال حاضر، قیمت انواع ماهی قزل‌آلا بین ۲۲۰ تا ۴۵۰ هزار تومان و ماهی کپور بین ۲۵۵ تا ۲۶۵ تومان در هر کیلوگرم است. قیمت کنسرو تن ماهی در بازار از ۹۵ هزار تومان آغاز می‌شود و بسته به برند آن به ۱۲۰ هزار تومان برای هر قوطی می‌رسد.

قیمت فضایی حبوبات

در این بازارها در حال حاضر لوبیا چیتی درجه یک بین ۳۳۰ تا ۴۶۰ هزار تومان، لوبیا قرمز حدود ۲۱۰ تا ۲۵۰ هزار تومان، لوبیا سفید در محدوده ۲۰۰ تا ۲۵۰ هزار، لوبیا عروس کیلویی ۳۲۰ تا ۳۶۰ هزار تومان و عدس ریز ایرانی حدود ۱۲۰ تا ۱۵۰ هزار تومان به فروش می‌رسند. قیمت نخود کرمانشاهی نیز که از اقلام پرمصرف سفره ایرانی است، به حدود ۱۲۰ تا ۱۳۵ هزار تومان رسیده و لپه ایرانی در بازه ۱۹۰ تا ۲۲۰ هزار تومان قرار دارد. در همین حال، ماش سبز نیز تا ۱۴۵ هزار تومان به فروش می‌رسد. در فروشگاه‌های زنجیره‌ای چون شهروند نیز عدس ۹۰۰ گرمی حدود ۷۲ هزار تومان، ماش ۹۰۰ گرمی ۶۸ هزار تومان و لپه در محدوده ۶۵ هزار تومان عرضه می‌شود.

همچنین، نخود به قیمت ۱۳۶ هزار تومان و لوبیا چشم‌بلبلی حدود ۱۱۵ هزار تومان به فروش می‌رسد.

در برخی فروشگاه‌های زنجیره‌ای دیگر نیز لوبیا چیتی ۹۰۰ گرمی حدود ۲۲۰ هزار تومان و نوع دستچین با قیمت ۳۱۵ تا ۳۲۰ هزار تومان عرضه می‌شود. عدس ریز ۹۰۰ گرمی حدود ۱۸۱ هزار تومان، ماش حدود ۲۰۷ هزار تومان و لپه با قیمت ۲۱۲ هزار تومان در معرض مشتریان قرار دارند. در یک ماه اخیر قیمت اقلام لبنی و تخم‌مرغ نیز افزایش محسوسی به خود دیده‌اند. کره حیوانی ۲۵۰ گرمی با قیمت ۱۶۷ هزار تومان و کره گیاهی ۱۰۰ گرمی با قیمت ۱۱ هزار تومان عرضه می‌شود. پنیر سفید پرچرب ۵۱۰ گرمی ۱۲۱ هزار تومان و پنیر سفید نیم‌چرب ۵۱۰ گرمی ۸۷ هزار تومان قیمت‌گذاری شده است. همچنین، شانه تخم‌مرغ ۲۰ عددی ۱۴۸ تومان و شانه ۳۰ عددی ۱۸۰ تومان فروخته می‌شود. قیمت شیر نیز با افزایش مواجه شده است؛ شیر بطری پرچرب سه درصد چربی ۹۴۶ سی‌سی ۵۵ هزار تومان و شیر نایلونی ۱.۲ درصد چربی ۸۰۰ گرمی ۲۷ هزار تومان است.

بحران معیشتی

این قیمت‌ها نشان می‌دهد یک خانوار ایرانی دیگر نمی‌تواند به‌راحتی این اقلام را تهیه کند و آنها را در سبد غذایی خود لحاظ کند. به‌گفته یک کارشناس حوزه رفاه و تأمین اجتماعی، کوچک شدن سبد غذایی مردم می‌تواند بحرانی‌تر شود. «علیرضا حیدری» در گفت‌وگو با «پیام ما»، با بیان اینکه سبد معیشت خانوارها به‌طور فزاینده‌ای کوچک شده و جامعه در حال ورود به یک بحران معیشتی جدی است، می‌گوید: «ترکیبی از عوامل داخلی و خارجی باعث شده قدرت خرید خانوارها کاهش پیدا کند و بسیاری از خانواده‌ها نتوانند حداقل‌های غذایی و نیازهای پایه‌ای خود را تأمین کنند.» این عضو خانه کارگر با اشاره به رکود اقتصادی گسترده در سال‌های اخیر توضیح می‌دهد: «وقتی اقتصاد در شرایط رکود قرار می‌گیرد، تولید کالا و خدمات کاهش پیدا می‌کند. در چنین شرایطی تورم به‌وجود می‌آید که منشأ آن می‌تواند دلایل مختلفی داشته باشد. یک دلیل، کسری بودجه دولت و بی‌انضباطی مالی است که محدود به یک دولت خاص نیست، بلکه در طول سال‌ها در دولت‌های مختلف مشاهده شده است. دیگر عامل مهم، تحریم‌ها است که دسترسی کشور به منابع ناشی از صادرات را محدود می‌کند و واردات کالاهای ضروری را با مشکل روبه‌رو می‌سازد. همه این عوامل دست به دست هم می‌دهند تا تورم و افزایش قیمت‌ها شکل بگیرد.»

به‌گفته حیدری، افزایش قیمت‌ها به‌صورت مستقیم قدرت خرید اقشار حقوق‌بگیر، به‌ویژه کارگران و بازنشستگان، را تحت‌تأثیر قرار داده است. «در شرایطی که درآمدها ثابت است، تورم باعث کاهش قدرت خرید واقعی مردم می‌شود و آنها نمی‌توانند با درآمد فعلی سبد معیشتی خود را حفظ کنند. خانوارها مجبورند اولویت‌های مصرفی خود را بازتعریف کنند؛ اقلام پرهزینه‌تر از سبد حذف می‌شود و مصرف به‌سمت کالاهای ارزان‌تر و جایگزین می‌رود.»

او ادامه می‌دهد: «برای مثال، اقلام پروتئینی مانند گوشت قرمز، مرغ و تخم‌مرغ به‌دلیل افزایش قیمت‌ها از سبد خانوار حذف یا کاهش مصرف پیدا می‌کنند. جایگزین این اقلام اغلب نشاسته‌ها، سیب‌زمینی و نان یارانه‌ای است که گرچه قیمت آنها نیز افزایش یافته، اما هنوز نسبت به سایر کالاهای اساسی ارزان‌تر است. همچنین، مصرف میوه‌ها و لبنیات نیز کاهش پیدا کرده؛ این موضوع در داده‌های مصرفی مرکز آمار قابل‌مشاهده است.» نایب‌رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری کشور، با تأکید بر اینکه کوچک شدن سبد غذایی خانوارها تنها یک موضوع اقتصادی نیست، بلکه اثرات اجتماعی و انسانی گسترده‌ای دارد، می‌گوید: «وقتی خانوارها مجبور می‌شوند مصرف برخی کالاهای اساسی را کاهش دهند، این امر بر سلامت و تغذیه خانواده‌ها تأثیر مستقیم می‌گذارد. کاهش مصرف پروتئین، لبنیات و میوه‌ها می‌تواند منجر به کمبود مواد مغذی در رژیم غذایی خانوارها شود و به سلامت نسل‌های آینده آسیب برساند.»

کاهش چرخه تولید

او همچنین به آثار چرخه‌ای اقتصادی این پدیده اشاره کرد: «کاهش مصرف خانوارها بر تولید و اشتغال نیز تأثیر می‌گذارد. وقتی تقاضا کاهش پیدا می‌کند، تولیدکنندگان مجبور می‌شوند تولید خود را کاهش دهند یا کارگاه‌ها را تعطیل کنند. این موضوع به‌نوبه خود باعث افزایش بیکاری می‌شود و چرخه معیوب اقتصادی تشدید می‌شود. بنابراین، کوچک شدن سبد غذایی خانوارها نه‌تنها یک مشکل معیشتی، بلکه یک مشکل ساختاری برای اقتصاد کشور ایجاد می‌کند.»

حیدری با اشاره به بسته‌های حمایتی دولت می‌گوید: «دولت تلاش کرده است با ارائه بسته‌های معیشتی، کمک‌های نقدی و کالابرگ‌ها به هفت دهک کم‌درآمد جامعه کمک کند، اما این اقدامات تنها در کوتاه‌مدت می‌تواند بخشی از فشارهای مالی خانوارها را جبران کند. در بلندمدت این سازوکارها ناکافی هستند و نمی‌توانند جایگزین اصلاحات اساسی در سیاست‌های اقتصادی شوند.»

او می‌افزاید: «توزیع هدفمند یارانه‌ها و کمک‌های نقدی به دهک‌های کم‌درآمد ممکن است به کاهش فوری فشار مالی کمک کند، اما برای بازگرداندن رفاه واقعی خانوارها نیاز به اصلاحات گسترده در اقتصاد، کنترل تورم و افزایش سرمایه‌گذاری در تولید و اشتغال است. بدون این اقدامات، فشار بر خانوارها ادامه خواهد داشت و سبد معیشت آنها کوچک‌تر خواهد شد.»

به‌گفته این کارشناس، ادامه روند فعلی تورم باعث شده است خانوارها با کاهش مصرف مواجه شوند و سفره آنها کوچک‌تر شود. «این وضعیت باعث تشدید فقر و کاهش توانایی خانوارها در تأمین نیازهای غذایی می‌شود. اگر تصمیم‌گیران اقتصادی کشور به‌سرعت برای اصلاح سیاست‌های مالی و اقتصادی اقدام نکنند، اثرات منفی این روند در سال‌های آینده به‌شدت افزایش خواهد یافت.»

او همچنین با اشاره به عوامل خارجی و داخلی در کوچک شدن سبد غذایی مردم توضیح می‌دهد: «تحریم‌ها و محدودیت‌های صادراتی منابع ارزی کشور را محدود کرده و بر واردات کالاهای اساسی تأثیر گذاشته است. علاوه‌براین، شوک‌های داخلی مانند نوسانات نرخ ارز و بازارهای موازی سرمایه باعث شده است سرمایه‌گذاری در بخش تولید کاهش پیدا کند. این عوامل همگی دست به دست هم داده‌اند تا فشار اقتصادی بر خانوارها افزایش یابد و توانایی آنها برای تأمین سبد غذایی کاهش پیدا کند.»

عضو سابق شورای‌عالی کار تأکید می‌کند: «وقتی تصمیمات اقتصادی و سیاستگذاری‌ها ناکارآمد باشند، آثار آن مستقیماً بر خانوارها و تولیدکنندگان وارد می‌شود. اصلاح این وضعیت نیازمند هماهنگی میان نهادهای تصمیم‌گیر، بهبود مدیریت منابع و ایجاد شرایط پایدار اقتصادی است.»

او یادآور می‌شود: «کوچک شدن سبد غذایی خانوارها، کاهش مصرف کالاهای اساسی و افزایش فشار اقتصادی بر مردم تنها یک بحران کوتاه‌مدت نیست. اگر این روند ادامه یابد، جامعه با بحران معیشتی طولانی‌مدت مواجه خواهد شد که اثرات آن نه‌تنها بر سطح رفاه خانوارها، بلکه بر سلامت عمومی، تولید و اشتغال و ثبات اقتصادی کشور نیز خواهد بود.»

کوچک شدن سبد غذایی خانوارها نه‌تنها یک مشکل کوتاه‌مدت نیست بلکه می‌تواند به یک بحران طولانی‌مدت با ابعاد اجتماعی و اقتصادی دامن بزند. کاهش مصرف اقلام پروتئینی و لبنی، جایگزینی آنها با محصولات ارزان‌تر و افزایش فشار مالی بر خانوارها می‌تواند سلامت و تغذیه مردم را تهدید کند. هم‌زمان، کاهش تقاضای مصرفی، تولید و اشتغال را نیز تحت‌تأثیر قرار می‌دهد و چرخه معیوب اقتصادی را تشدید می‌کند. برای بازگرداندن رفاه واقعی خانوارها نیاز به اصلاحات اساسی در سیاست‌های اقتصادی، کنترل تورم و تقویت تولید و اشتغال است. بدون این اقدامات، سفره خانوارهای ایرانی همچنان کوچک‌تر خواهد شد و فشار معیشتی بر مردم ادامه خواهد داشت.

گزارش

جایزه نوبل اقتصاد به پایداری

|پیام ما| جایزه نوبل اقتصاد ۲۰۲۵ برای توضیح سازوکار رشد اقتصادی پایدار و نقش نوآوری به سه اقتصاددان اهدا شد. آکادمی سلطنتی علوم سوئد، این جایزه را که عنوان رسمی‌اش «جایزه علوم اقتصادی بانک مرکزی سوئد به یاد آلفرد نوبل» است، به پاس پژوهش‌هایی «در تبیین رشد اقتصادی مبتنی‌بر نوآوری»، به «جول موکیر»، «فیلیپ آغیون» و «پیتر هاویت» رسید؛ چراکه آنها نشان دادند «چگونه فناوری نوین می‌تواند رشد پایدار را پیش ببرد».

بنابراین، نیمی از این جایزه ۱۱ میلیون کرونی، به موکیر به پاس «شناسایی پیش‌شرط‌های رشد پایدار از طریق پیشرفت‌های فناوری» و نیمه دیگر به‌طور مشترک به آغیون و هاویت به پاس «ارائه نظریه رشد پایدار از طریق تخریب خلاق» اهدا شده است. نوآوری و رشد اقتصادی، پایه سیاست‌های مؤثر در توسعه فناوری‌های سبز هستند. نظریه «تخریب خلاق» نشان می‌دهد فناوری‌های نوین می‌توانند جایگزین فناوری‌های قدیمی و آلاینده شوند و رشد اقتصادی نیز منابع لازم برای تطبیق زیرساخت‌ها با تغییرات محیطی را تأمین می‌کند.

جول موکیر متولد ۱۹۴۶ در لیدن هلند است. دکترای خود را در سال ۱۹۷۴ از دانشگاه ییل دریافت کرده و استاد دانشگاه نورث‌وسترن در ایلینوی و مدرسه اقتصاد ایتان برگلاس در دانشگاه تل‌آویو است. فیلیپ آغیون متولد ۱۹۵۶ در پاریس است و دکترای خود را در سال ۱۹۸۷ از دانشگاه هاروارد دریافت کرده. او استاد کالج دو فرانس و اینسید در پاریس و مدرسه اقتصاد و علوم سیاسی لندن است. پیتر هاویت متولد ۱۹۴۶ در کانادا نیز دکترای خود را در سال ۱۹۷۳ از دانشگاه نورث‌وسترن دریافت کرده است و در دانشگاه براون تدریس می‌کند.

آنها در پژوهش‌ها و بعضی پروژه‌های خود به مسائل اقلیمی پرداخته‌اند. آغیون در سال ۲۰۲۳ در مصاحبه‌ای با «مرکز پژوهش‌های سیاست اقتصادی »(CEPR) گفت برای مقابله با تغییراقلیم، نیاز به ترکیب سیاست‌های مالیاتی کربن و سیاست‌های صنعتی داریم. او این رویکرد را مشابه مراجعه به دندانپزشک می‌داند که هرچه بیشتر به تعویق بیفتد، دردناک‌تر خواهد بود.

آغیون علاوه‌براین در پروژه‌ای به‌نام «نوآوری سبز برای مقابله با تغییراقلیم» که از سال ۲۰۲۳ تا ۲۰۲۶ در حال اجراست، به بررسی نقش دولت، جامعه مدنی و بازار در انتقال به فناوری‌های پاک پرداخته است. هدف این پروژه شناسایی عوامل میکرو و کلان اقتصادی مؤثر در این انتقال است.

هاویت نیز در پژوهش‌های خود به تأثیرات تغییراقلیم پرداخته است. او در مقاله‌ای که با «دارون آچم‌اوغلو» و «دیوید هِموس» در سال ۲۰۱۴ منتشر کرده، به بررسی تأثیرات کوتاه‌مدت و بلندمدت رونق گاز شیل در اقتصادی پرداخته است که در آن انرژی می‌تواند با زغال‌سنگ، گاز طبیعی یا منابع پاک تولید شود. این مطالعه نشان می‌دهد در کوتاه‌مدت، رونق گاز شیل می‌تواند با جایگزینی زغال‌سنگ با گاز طبیعی، انتشار دی‌اکسید کربن را کاهش دهد. اما در بلندمدت، این رونق ممکن است با کاهش انگیزه برای نوآوری در فناوری‌های انرژی پاک، منجر به افزایش انتشار گازهای گلخانه‌ای شود.

بیانیه مطبوعاتی جایزه نوبل اما بیش از همه بر ابعاد اقتصادی فعالیت‌های این اقتصاددانان تمرکز دارد. در این بیانیه آمده است: «جهان در دو قرن گذشته، برای نخستین بار در تاریخ، شاهد رشد اقتصادی پایدار بوده است. این رشد، شمار بسیاری از مردم را از فقر رهایی بخشیده و بنیان رفاه ما را فراهم کرده است. برندگان امسال جایزه علوم اقتصادی، جول موکیر، فیلیپ آغیون و پیتر هاویت، توضیح می‌دهند که نوآوری چگونه محرک پیشرفت‌های بیشتر است. فناوری با سرعتی بالا پیشرفت می‌کند و همه ما را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد، به‌گونه‌ای‌که محصولات و روش‌های تولید نوین، روش‌های قدیمی را در چرخه‌ای بی‌پایان جایگزین می‌کنند. این روند، پایه رشد اقتصادی پایدار است و به بهبود سطح زندگی، سلامت و کیفیت زندگی مردم در سراسر جهان می‌انجامد. بااین‌حال، همیشه چنین نبوده است. درواقع، در طول بیشتر دوران تاریخ، رکود اقتصادی وضعیتی طبیعی و رایج بود. با وجود برخی اکتشافات مهم که گه‌گاه به بهبود شرایط زندگی و افزایش درآمد می‌انجامید، رشد اقتصادی درنهایت همیشه متوقف می‌شد.»

براساس این بیانیه جول موکیر با بهره‌گیری از منابع تاریخی، دلایل تبدیل رشد پایدار به وضعیت عادی را بررسی کرده و نشان داده است برای آنکه نوآوری‌ها بتوانند در روندی خودتولیدکننده پشت‌سر هم موفق شوند، تنها دانستن اینکه چیزی کار می‌کند کافی نیست؛ بلکه باید توضیح علمی درباره چرایی آن نیز وجود داشته باشد. پیش از انقلاب صنعتی، چنین توضیحاتی غالباً در دسترس نبود و همین مانع استفاده مؤثر از اکتشافات و اختراعات جدید می‌شد. او همچنین اهمیت پذیرش ایده‌های نو و آمادگی جامعه برای تغییر را برجسته کرد. از سوی دیگر، فیلیپ آغیون و پیتر هاویت نیز سازوکارهای رشد پایدار را بررسی کرده‌اند. در مقاله‌ای از سال ۱۹۹۲ آنها مدلی ریاضی برای پدیده‌ای به‌نام «تخریب خلاق» ارائه کردند: وقتی محصولی نوین و بهتر وارد بازار می‌شود، شرکت‌هایی که محصولات قدیمی‌تر را عرضه می‌کنند، متضرر می‌شوند. نوآوری چیزی تازه و خلاقانه است، اما هم‌زمان مخرب نیز است؛ زیرا شرکتی که فناوری‌اش منسوخ می‌شود، از میدان رقابت کنار گذاشته می‌شود.

برندگان جایزه نوبل اقتصاد به روش‌های مختلف نشان می‌دهند «تخریب خلاق» موجب بروز تعارضاتی می‌شود که باید به‌گونه‌ای سازنده مدیریت شوند. در غیر این‌صورت، نوآوری توسط شرکت‌ها و گروه‌های ذی‌نفع تثبیت‌شده که در معرض ضرر قرار می‌گیرند، مسدود خواهد شد.

«جان هسلر»، رئیس کمیته جایزه نوبل علوم اقتصادی، می‌گوید: «کار برندگان جایزه نشان می‌دهد رشد اقتصادی امری مسلم نیست. باید سازوکارهایی را که زیربنای تخریب خلاق هستند حفظ کنیم، تا دوباره به رکود بازنگردیم.»

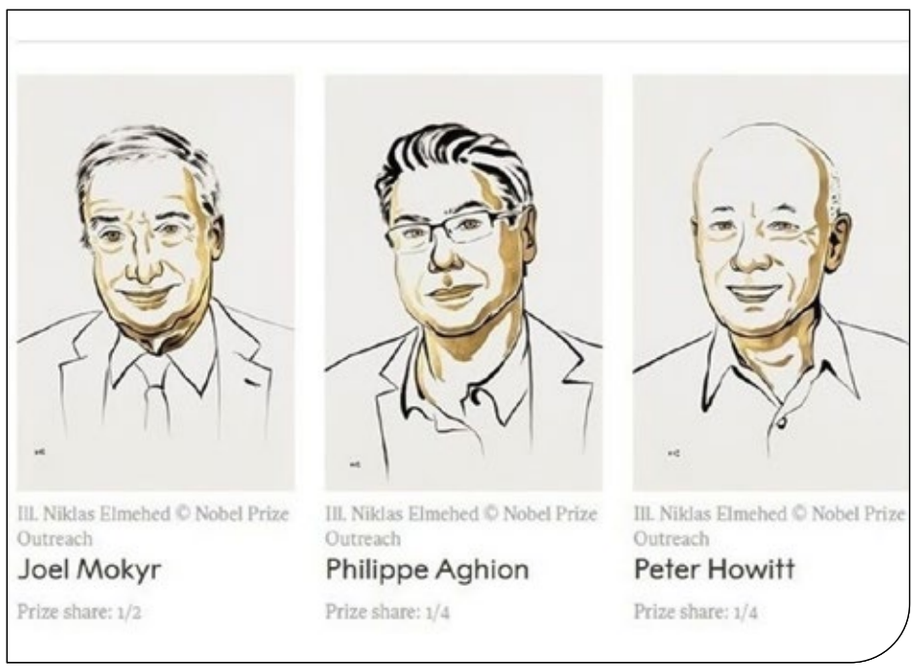

نتایج یک مطالعه درباره تجارت غیرقانونی گوشتخواران در شبکه‌های اجتماعی عنوان می‌کند

اینستاگرام بازار جدید قاچاق حیات‌وحش

در تبلیغات خریدوفروش حیات‌وحش نگهداری گوشتخواران به‌عنوان نمادی از ثروت یا مردانگی نشان داده می‌شدند

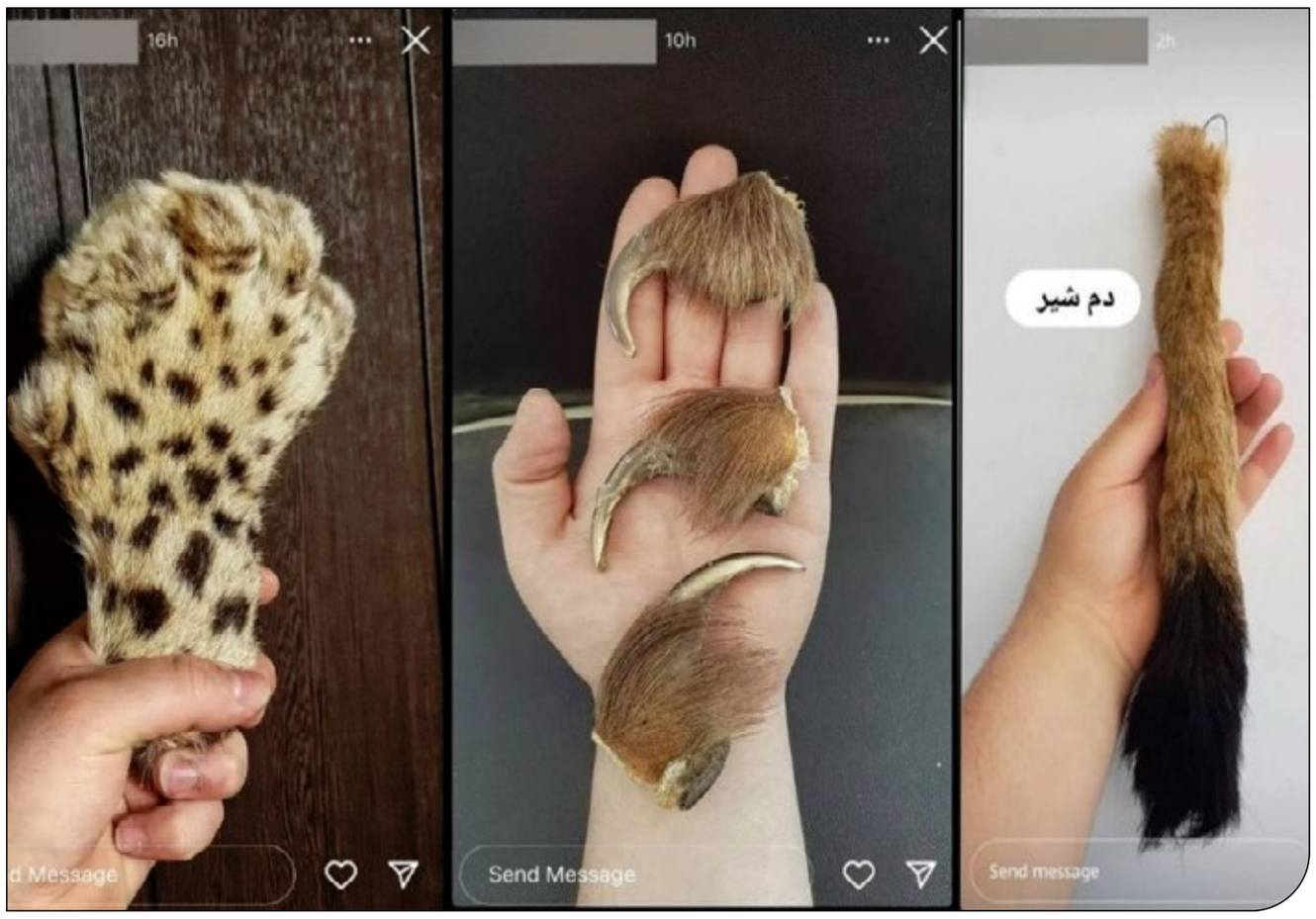

|پیام ما| «فروش»، «برای فروش» و «در حال فروش» را اگر کنار اسامی گونه‌های مختلف حیات‌وحش در اینستاگرام جست‌وجو کنید، از میزان خریدوفروشی که در حال انجام است، حیرت می‌کنید. «پوریا سرداری» پژوهشگر دکتری دانشکده مدیریت مراتع، حیات‌وحش و شیلات دانشگاه تگزاس، «نیما بادلو» کارشناسی ارشد گروه محیط‌زیست، دانشکده منابع‌طبیعی و محیط‌زیست دانشگاه فردوسی، «پردیس رجبی‌پور» کارشناسی ارشد پژوهشکده علوم‌محیطی دانشگاه شهیدبهشتی، «علیرضا محمدی» هیئت‌علمی دانشگاه جیرفت، «دیوید رابرتز» استاد دانشگاه کنت، «جرارد کایل» استاد دانشگاه تگزاس و «محمدصادق فرهادی‌نیا» جانورشناس و عضو هیئت علمی دانشکده علوم‌طبیعی دانشگاه کنت نتایج به‌دست‌آمده از بررسی ۷۲۵ ساعت جمع‌آوری داده در اینستاگرام را بررسی و آن را در قالب مقاله‌ای با عنوان «شناسایی تجارت غیرقانونی گوشتخواران در یک پلتفرم شبکه اجتماعی در ایران» منتشر کردند. این مطالعه تجارت غیرقانونی گوشتخواران بومی و غیربومی در اینستاگرام ایران را با استفاده از داده‌های ۲۹۳ تبلیغ عمومی منتشرشده در طول سال ۲۰۲۲ بررسی کرد. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد در آن سال گونه‌های غیربومی، مانند شیر، در تجارت حیوانات زنده شایع‌تر بودند، درحالی‌که گونه‌های بومی، مانند روباه قرمز، بیشتر برای قطعات بدنشان تبلیغ می‌شدند. تجارت گونه‌های بومی در فصل بهار و تابستان که هم‌زمان با فصل زادآوری است، به اوج می‌رسد. در مقابل، تجارت گونه‌های غیربومی هیچ روند فصلی قابل‌توجهی نشان نمی‌دادند. در این مطالعه نمونه‌ای از خرس سیاه یا یوزپلنگ آسیایی مشاهده نشده، بااین‌حال کشف محموله‌های مختلف قاچاق خرس سیاه در کنار طرح احتمال خریدوفروش یوزپلنگ از سوی کارشناسان نشان می‌دهد چقدر این بازار بزرگ و نیازمند رسیدگی است.

تجارت غیرقانونی حیات‌وحش تهدیدی جهانی برای تنوع‌زیستی است. بااین‌حال، و با وجود موقعیت استراتژیک ایران در مسیرهای اصلی تجارت بین آسیا و اروپا، اطلاعات کمی درباره بازارهای آنلاین و فارسی‌زبان موجود است که ضرورت انجام مطالعات گسترده در این زمینه را نشان می‌دهد. «شناسایی تجارت غیرقانونی گوشتخواران در یک پلتفرم شبکه اجتماعی در ایران» یکی از پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه است که روی یکی از شبکه‌های اجتماعی، یعنی اینستاگرام، متمرکز شده و تجارت غیرقانونی گوشتخواران بومی و غیربومی در آن را بررسی کرده است. نتایج این مطالعه نشان داد در سال ۲۰۲۲ در اینستاگرام تجارت گونه‌های زنده غیربومی، مانند شیر، شایع‌تر بودند. در مقابل گونه‌های بومی، مانند روباه قرمز، بیشتر برای قطعات بدنشان تبلیغ می‌شدند. تجارت گونه‌های بومی در بهار و تابستان که با فصل زایمان هم‌زمان است، اوج گرفتند؛ درحالی‌که گونه‌های غیر بومی هیچ روند فصلی مشخصی نشان ندادند، که احتمالاً نشان‌دهنده تأمین آنها از شبکه‌های بین‌المللی یا از طریق تکثیر در اسارت است. برای درک استراتژی‌های بازاریابی، توضیحات درج‌شده زیر فیلم‌ها و تصاویر گونه‌ها بررسی شد که مواردی مانند کالاسازی حیات‌وحش، عادی‌سازی اسارت و نمادی از زندگی تجملی و لوکس را نشان می‌داد. فروشندگان برای جذب مصرف‌کنندگان بر اهلی بودن، جذابیت و لوکس بودن گونه و انحصاری بودن آنها تأکید می‌کردند و در مقابل، به‌ندرت به ویژگی‌های زیستی گونه‌ها اشاره‌ای داشتند. تبلیغات، این گونه‌های حیات‌وحش را به‌عنوان محصولات مصرفی جذاب نشان می‌داد و وضعیت حفاظتی و پیامدهای اخلاقی استفاده از آنها را پنهان می‌کرد. این یافته‌ها نیاز فوری به نظارت بیشتر در فصل‌های اوج خریدوفروش گونه‌های بومی و مداخلات برای قطع تجارت آنلاین حیات‌وحش در کشورهایی مانند ایران را برجسته می‌کند. این مطالعه تأکید دارد در میان تمام گونه‌های حیات‌وحش، گوشتخواران پستاندار تحت فشار شدید هستند؛ آنها در بازارهای جهانی برای استفاده در داروهای سنتی، به‌عنوان کالاهای لوکس و حیوانات خانگی عجیب و غریب بسیار مورد توجه قرار دارند. اثر تجارت غیرقانونی گوشتخواران فراتر از کاهش جمعیت و ازدست‌دادن زیستگاه است؛ این تجارت زنجیره‌های غذایی را مختل می‌کند، گونه‌های مهاجم را گسترش می‌دهد و خطر بیماری‌هایی را که می‌توانند از حیوان به انسان منتقل شوند، افزایش می‌دهد. مجموعه این عوامل تلاش‌های حفاظتی را ضروری‌تر می‌کند.

بازار پررونق فروش آنلاین گوشتخواران در جهان

پلتفرم‌های شبکه اجتماعی، شیوه تجارت غیرقانونی حیات‌وحش را به‌طور عمیق تغییر داده‌اند. این پلتفرم‌ها دسترسی مستقیم و اغلب بدون نظارت به بازار جهانی را برای مجرمان فراهم می‌کنند. اینستاگرام، تلگرام و واتساپ به فروشندگان اجازه می‌دهند مستقیماً با خریداران در فضاهای دیجیتال که اغلب فاقد نظارت قانونی هستند، ارتباط برقرار کنند. برای مثال، واتساپ باعث افزایش تجارت غیرقانونی حیات‌وحش در برزیل شده است. به‌علاوه، مطالعات اخیر نیز نشان داده‌اند تجارت غیرقانونی گربه‌سانان وحشی در مکزیک از طریق پلتفرم‌هایی مانند فیسبوک گسترش یافته و شبکه‌های اجتماعی قاچاق فراملی را تسهیل می‌کنند. مشابه آن، اینستاگرام، تلگرام و وب‌سایت‌های خریدوفروش در ایران به‌عنوان کانال‌های مخفی برای تبلیغ و فروش حیات‌وحش به کار برده می‌شوند. بر اساس این مطالعه نظارت بر تجارت غیرقانونی حیات‌وحش در شبکه‌های اجتماعی چالش‌های زیادی دارد، از جمله استفاده از گروه‌های خصوصی یا رمزگذاری‌شده برای معاملات و فرار از سیستم‌های بانکی و چارچوب‌های قانونی سنتی. تحقیقات شبکه‌های اجتماعی در علوم حفاظت در حال محبوب شدن است، اما عمدتا بر پلتفرم‌ها و مناطق انگلیسی‌زبان تمرکز دارد و مناطق غیرانگلیسی، از جمله ایران، به شدت کمتر مطالعه شده‌اند.

فروش ۲۶۹ گونه زنده و ۱۴۴ قطعه حیوانی گوشتخواران در یک سال

طبق قانون ایران، تجارت هر حیوان وحشی، چه زنده و چه قطعات آن، به‌ویژه گونه‌های بومی گوشتخوار، ممنوع است. این بدان معناست که تمام این فعالیت‌ها، صرف‌نظر از منشأ گونه، جرم محسوب می‌شوند و در محدوده تجارت غیرقانونی حیات‌وحش قرار می‌گیرند.

برای این مطالعه، گوشتخواران به‌عنوان پستاندارانی که به راسته Carnivora تعلق دارند، به‌عنوان گونه‌های هدف بررسی شدند. پراکنش گونه‌های بومی در زیستگاه‌های مختلف ایران است و گونه‌های غیربومی که زیستگاه اصلی‌شان ایران نیست، در مواردی مانند راکون‌ها، گاه در زیستگاه‌ها دیده می‌شوند. شیر و ببر به‌عنوان گونه‌های غیربومی در نظر گرفته شدند، زیرا بیش از صد سال است که در ایران منقرض شده‌اند. اینستاگرام به‌دلیل محبوبیت و طبیعت بصری آن برای جمع‌آوری داده‌ها انتخاب و جمع‌آوری داده‌ها از ۱ ژانویه تا ۳۱ دسامبر ۲۰۲۲ انجام شد تا پوشش مداوم در طول سال تضمین شود. پست‌ها در اینستاگرام دائمی هستند، مگر اینکه حذف شوند، اما استوری‌ها تنها ۲۴ ساعت دوام دارند و سپس خودکار ناپدید می‌شوند. داده‌ها به‌صورت روزانه مرور شد؛ هر جلسه مرور حدود دو ساعت طول می‌کشید و در مجموع ۷۲۵ ساعت صرف شد. یک حساب کاربری جداگانه برای این مطالعه ایجاد شد تا تعصب الگوریتمی کاهش یابد و شرایط جست‌وجوی استاندارد حفظ شود.

در طول سال، ۲۹۳ تبلیغ فروش گوشتخواران از ۵۶ حساب جمع‌آوری شد. ۷۶.۱ درصد مربوط به حیوانات زنده و ۲۳.۹ درصد مربوط به حیوانات مرده یا قطعات حیوانی بود. بررسی‌ها ۲۶۹ گونه زنده و ۱۴۴ قطعه حیوانی را شناسایی کردند.

روباه قرمز بیشترین تعداد تبلیغات زنده را با ۳۸ تبلیغ داشت که ۴۸.۱ درصد از تبلیغات زنده گونه‌های بومی را شامل می‌شد. پس‌ازآن، کاراکال و سمور سنگی هرکدام ۱۰ تبلیغ داشتند. علاوه‌براین، در میان آگهی‌های گونه‌های بومی زنده، برای خرس قهوه‌ای پنج و برای پلنگ سه آگهی ثبت شد. در میان تبلیغات گونه‌های بومی مرده هم روباه قرمز با ۳۴ تبلیغ بیشترین تعداد را داشت. بیشترین قطعات حیوانی به روباه قرمز مربوط می‌شد (۶۹ قطعه: ۶۶.۷ درصد پوست، ۱۳ درصد ناخن، ۱۱.۶ درصد تاکسیدرمی دم، ۴.۴ درصد جمجمه و ۱.۵ درصد هر یک از لاشه، دندان و تاکسیدرمی پنجه).

در میان گونه‌های غیربومی، شیر بیشترین تعداد تبلیغات حیوان زنده غیربومی را با ۸۹ تبلیغ داشت که ۶۱.۸ درصد را شامل می‌شد و پس‌ازآن، راکون و ببر قرار می‌گرفتند. در میان گونه‌های مرده غیر بومی، شیر با ۱۰ تبلیغ بیشترین تعداد را داشت و بیشترین قطعات حیوانی شامل ۴۰ قطعه بود (۸۵ درصد ناخن، ۷.۵ درصد دندان، ۵ درصد تاکسیدرمی دم، ۲.۵ درصد جمجمه).

در این مجموعه آگهی‌ها، یوز آسیایی و خرس سیاه آسیایی مشاهده نشدند؛ محققین بر این باورند که احتمالاً معاملات مربوط به این گونه‌های به‌شدت در معرض خطر عمدتاً از مسیرهای خصوصی/ رمزنگاری‌شده یا به‌صورت حضوری انجام می‌شود و در صفحات عمومی بازتاب کمتری دارد.

> در آگهی‌ها، یوز آسیایی و خرس سیاه آسیایی مشاهده نشدند؛ محققین بر این باورند که احتمالاً معاملات مربوط به این گونه‌های به‌شدت در معرض خطر عمدتاً از مسیرهای خصوصی و رمزنگاری‌شده یا به‌صورت حضوری انجام می‌شود و در صفحات عمومی بازتاب کمتری دارد

مردانگی با نگهداری غیرقانونی حیات‌وحش

به‌لحاظ محتوایی چند موضوع در پست‌ها برجسته بودند. یکی از آنها کالایی‌سازی حیات‌وحش مربوط می‌شد. در ۱۵.۲ درصد پست‌ها، حیوانات صرفاً به‌صورت کالا ارائه شدند و بر قیمت، کمیابی گونه‌ها متمرکز بودند.

عادی‌سازی اسارت دیگر موضوعی بود که تحلیل این پست‌ها آن را نشان می‌داد. در ۵.۴ درصد از پست‌ها، فروشندگان تأکید کردند حیوانات دست پرورده‌اند یا با دست تغذیه می‌شوند.

نمایش تجمل از دیگر مواردی بود که فروشندگان بر آن تأکید داشتند. در همین رابطه، نگهداری گوشتخواران به‌عنوان نمادی از ثروت یا مردانگی نشان داده می‌شدند.

> تجارت گونه‌های بومی در بهار و تابستان که با فصل زایمان هم‌زمان است، اوج گرفتند؛ درحالی‌که گونه‌های غیربومی هیچ روند فصلی مشخصی نشان ندادند، که احتمالاً نشان‌دهنده تأمین آنها از شبکه‌های بین‌المللی یا از طریق تکثیر در اسارت است

راهکار، تغییر رفتار مصرف‌کننده است

برای رفع این چالش و کاهش تجارت غیرقانونی، این مطالعه چند راهکار را پیشنهاد می‌دهد. اولین آنها بر فروشندگان متمرکزند. اجرای قانون مرتبط با خریدوفروش قاچاق گونه‌ها، پایش پلتفرم برای حذف فهرست‌های غیرقانونی و سیستم‌های پایش و گزارش‌دهی مبتنی‌بر جامعه در این دسته قرار می‌گیرند. به‌علاوه با توجه به ارتباط عرضه و تقاضا، کمپین‌های آموزشی و آگاهی‌رسانی که مصرف‌کنندگان را هدف قرار می‌دهند نیز از منظر این مطالعه می‌توانند رفتار متقاضی را تحت‌تأثیر قرار دهند. این کمپین‌ها می‌توانند شامل اطلاع‌رسانی درباره خطرات قانونی، نگرانی‌های رفاه حیوانات و پیام‌رسانی فرهنگی متناسب با هنجارهای اجتماعی باشند.

براساس این مطالعه، همکاری با افراد مشهور در رسانه‌های اجتماعی، به‌ویژه فعالان حوزه سبک زندگی یا طبیعت، می‌تواند نگرش‌ها را تغییر دهد و تمایل به نگهداری حیوانات زنده را کم کند. از نگاه پژوهشگران، چنین اقداماتی نقش مهمی در حفاظت از حیات‌وحش و کاهش تجارت غیرقانونی دارند.

یادداشت

ایران نیازمند «هومن جوکار» است

| فاطمه باباخانی |
| روزنامه‌نگار |

حیات‌وحش ایران کارشناس کم ندارد، کارشناس خوب هم! برخلاف بسیاری از حوزه‌ها که افراد با انگیزه اقتصادی و... به آن وارد می‌شوند و تخصص کسب می‌کنند تا حقوقشان بالاتر رود، در محیط‌زیست خبری از درآمدهای آنچنانی نیست. آنچه افراد را در این حوزه نگه می‌دارد، تنها علاقه‌مندی است و عشق به ایران و زیستمندانش.

در این سال‌ها به‌واسطه کارم، با کارشناسان مختلفی صحبت کرده‌ام. از همه آنها آموخته‌ام؛ یاد گرفته‌ام که از زاویه دیگری هم می‌شود به موضوع نگاه کرد، درگیر جزئیات شد و این تصور خام و باطل را کنار گذاشت که انجام کار حفاظتی ساده است. در این سال‌ها درگیر بحث‌ها و درگیری‌های کارشناسان مختلف هم بوده و با برخی از آنها هم سفر رفته‌ام. اما این یادداشت درباره آن سفرها، دعواهای کارشناسی، یوزپلنگ، لاک‌پشت‌های پوزه‌عقابی و.. نیست. این یادداشت را به‌بهانه تولد «هومن جوکار» می‌نویسم، یکی از بهترین کارشناسان حیات‌وحش ایران!

هومن جوکار را از سال‌های ابتدایی دهه ۹۰ می‌شناسم؛ همان وقت که مدیر پروژه یوزپلنگ آسیایی بود، آن وقت که در یک انجمن کوچک محلی کار می‌کردم و در دفترشان کارهایمان را توضیح می‌دادیم. در همان سال‌ها با ما همسفر شد تا کارمان را از نزدیک ببیند. در یکی از همان سفرها بود که میزان شور و اشتیاقش را نه‌تنها به یوزپلنگ، بلکه به سایر گونه‌های حیات‌وحش دیدم؛ ردی از پرنده‌ای می‌دید، چشم‌هایش تیز می‌شد تا ببیند کدام گونه است. برای ما درباره اینکه چطور راحت‌تر پرنده را پیدا کنیم، حرف می‌زد. با بچه‌ها راه می‌رفت و از ردپاهای کنار جوی آب می‌گفت؛ اینکه متعلق به کدام گونه‌اند. با محیطبانان درباره مشکلاتشان گفت‌وگو می‌کرد و با محلی‌ها درباره منطقه‌شان و کسب‌وکارشان!

مجموع همه این خصوصیات است که «هومن جوکار» را یگانه می‌کند. ممکن است بگویید در این کار یا آن کار موفق نبود. انتقاد را می‌شود به عملکرد هر کسی وارد کرد، منظورم این نیست که بگویم هومن جوکار بی‌عیب و نقص بود و در این یادداشت قدیسی از او بسازم. قصدم این است که بگویم محیط‌زیست ایران نیازمند اوست، نیازمند او که عاشق ایران و زیستمندانش است، نیازمند او که می‌دانست چطور با هر کسی حرف بزند تا متقاعد شود و قدمی برای حفاظت بردارد.

خاطره‌ای از روزهای تلخ پایانی سال ۱۳۹۶ دارم. در منطقه‌ای که کار می‌کردیم، قاعدتاً افراد با دیدگاه‌های مختلف حضور داشتند. یکی از اهالی گفتمان رسمی برایشان حجت بود و کمترین تردیدی درباره آن نداشت. در همان روزها که هومن جوکار به‌همراه سپیده کاشانی، همسرش، بازداشت بودند، سری به منطقه زدیم، بحث به هومن جوکار رسید، پاسخش را هنوز به خاطر دارم «ان‌شالله اشتباه شده و بازمی‌گردد.» این گفته نشان می‌داد چقدر هومن جوکار عاشقانه کارش را انجام داده، چقدر درست رفتار کرده که خطی انداخته بر باور آنکه هیچ انعطافی در عقیده‌اش نمی‌داد. امید دارم مسئولان محیط‌زیست، مسئولانی که دستشان به جایی می‌رسد، کاری کنند که «هومن جوکار»، «امیرحسین خالقی»، «طاهر قدیریان» و سایر کارشناسان حیات‌وحش که مشکلی در انجام کارشان دارند، برگردند. وفاق این نیست که مدیران دولت قبل و دولت‌های قبل را نگه‌داریم یا آنها را به‌کار گیریم، وفاق این است که ایران بتواند از تمام سرمایه‌های انسانی‌اش در داخل و خارج کشور استفاده کند و آباد شود. هر روز تأخیر در انجام این کار، خسارتی است جبران‌نشدنی!

یادداشت

«هومن جوکار» امید محیط‌زیست ایران

| هوشنگ ضیایی |
| پیشکسوت محیط‌زیست |

تابستان سال ۱۳۷۲ برای دیدن دوست عزیز و کارشناس برجسته آبزیان کشورمان آقای کریم جاذبی‌زاده که به تازگی از سازمان حفاظت محیط‌زیست اخراج و در ماهی‌سرایی در جاجرود مشغول به کار شده بود، رفتم. سرگرم صحبت با او بودم که چشمم به جوانی افتاد که با فرغونی پر از ضایعات سلاخ‌خانه به‌همراه کارگران ماهی‌سرا مشغول غذا دادن به ماهی‌ها بود. پس از مدتی این جوان فرغون را رها کرد و دوان‌دوان به‌سمت ما آمد و با حالتی هیجان‌زده از من پرسید شما مهندس ضیایی هستید؟ من هومن جوکار هستم، همه نوشته‌های شما را در روزنامه‌ها و فصلنامه‌های سازمان حفاظت محیط‌زیست خوانده‌ام. چهره جذاب و طرز رفتار و ادب او من را تحت‌تأثیر قرار داد. از کریم جدا شدیم و قدم‌زنان در کنار کانالی که حالت تالابی داشت، راه افتادیم. او گفت دانشجوی سال اول رشته محیط‌زیست دانشگاه آزاد واحد شمال است. از بچگی عاشق حیوانات بوده و حالا برای آشنایی با پرورش ماهی قزل‌آلا داوطلبانه آنجا آمده است. گرم صحبت بودیم که ناگهان یک پاشلک با همان پای آویزانش از میان کانال پرواز کرد. از او پرسیدم آیا این پرنده را می‌شناسی و او فوراً گفت اسم فارسی این پرنده پاشلک معمولی و نام انگلیسی‌اش snipe است، با تعجب از او پرسیدم آیا شما واقعاً دانشجوی سال اول هستید. او گفت بله. از آن تاریخ به‌بعد در اغلب مأموریت‌ها و مسافرت‌ها هومن من را همراهی می‌کرد؛ از سفر به جزایر دریاچه ارومیه برای بررسی وضعیت فلامینگوها، پلیکان‌ها، قوچ‌ومیش‌ها وگوزن‌های زرد تا باقی برنامه‌ها و پروژه‌ها. چند روز در جزیره کبودان به‌علت طوفانی شدن و امواج دریاچه ارومیه با هم بودیم، به جزایر خلیج‌فارس برای آماربرداری از پرندگان و لاک‌پشت‌های جزیره شیدور سفر کردیم. در برنامه معالجه یوز زخمی در پارک ملی کویر با هم بودیم و در یک کومه دو متری برای مشاهده یوز در پناهگاه حیات‌وحش نایبندان اقامت شبانه داشتیم. پایان‌نامه کارشناسی هومن در مورد پراکندگی و رفتارهای یوز را می‌توان مهم‌ترین تحقیقات انجام‌شده در مورد این حیوان باارزش در آن زمان به‌شمار آورد. سرپرستی پروژه زنده‌گیری و نصب ردیاب ماهواره‌ای روی دو قلاده یوز و دو قلاده پلنگ با همکاری چند کارشناس خارجی در منطقه حفاظت‌شده بافق یزد برای اولین‌بار در کشور از دیگر کارهای اوست. هومن مدیریت پروژه حفاظت از یوز پلنگ آسیایی را هم برعهده داشت. در زمان مدیریت او اقدامات زیربنایی بسیار مفیدی از قبیل خرید برخی سامانه‌های عرفی موجود در ذخیره‌گاه زیستکره توران و اخراج دام‌ها، دعوت از کارشناسان خارجی به‌منظور انجام مطالعات و اقدامات لازم در زمینه اسپرم‌گیری از یوزهای نر و تلقیح مصنوعی یوزهای ماده، برنامه‌ریزی و اجرای فنس‌کشی در مکان‌های عبور یوز در جاده تهران-مشهد، جلب مشارکت جوامع محلی و همکاری برخی از هنرمندان برای حمایت از برنامه‌های حفاظت از یوز انجام گرفت. همکاری با مدیریت محیط‌زیست منطقه آزاد قشم، به‌ویژه در زمینه شناسایی و حفاظت از گونه‌های حیات‌وحش، همکاری با پروژه تکثیر و رهاسازی لاک‌پشت‌های دریایی، همکاری در راه‌اندازی مؤسسه آموزشی و طبیعت‌گردی اکوتور ایران به‌عنوان اولین مؤسسه طبیعت‌گردی در کشورمان، انجام اقداماتی از قبیل شناسایی جاذبه‌های گردشگری و برنامه‌ریزی و اجرای تورهای طبیعت‌گردی در داخل و خارج از کشور برای گردشگران ایرانی خارجی، از دیگر فعالیت‌های اوست. او همچنین در راه‌اندازی اولین دوره آموزش راهنمایان طبیعت‌گردی در کشور و انجام اقداماتی از قبیل همکاری در تهیه سرفصل‌های دروس و تدریس در این دوره‌ها هم نقش مؤثری داشت. آقای مهندس اسکندر فیروز، بنیانگذار و ریاست اسبق سازمان حفاظت محیط‌زیست، پس از آشنایی با هومن جوکار و چندین دفعه رفتن به طبیعت به‌همراه او، بارها در حضور اساتید دانشگاه‌ها و برخی از مدیران سازمان حفاظت محیط‌زیست که به دیدن ایشان می‌آمدند، از هومن جوکار به‌عنوان یک پدیده و یکی از امیدهای آتیه حفاظت محیط‌زیست کشورمان نام می‌برد. به‌عقیده این‌جانب نیز هومن جوکار گوهری بی‌نظیر در عرصه محیط‌زیست رو به قهقرای کشورمان است. باید قدر ایشان را بدانیم. او علاوه‌بر اینکه در زمره یکی از کارشناسان طراز اول و منحصربه‌فرد کشورمان محسوب می‌شود، از نظر خصوصیات انسانی و عاطفی نیز بی‌نظیر است. همه کسانی که با خانواده جوکار آشنایی دارند، یکی از عوامل موفقیت او را مرهون تربیت خانوادگی و داشتن همسری مهربان، توانا و بردبار می‌دانند که در همه سختی‌ها و نامهربانی‌ها همیشه در کنار او بوده و است.

دریافتی

روایت تلاقی هنر، میراث و محیط‌زیست در گفت‌وگو با مجری طرح «هنر برای حفاظت»

زمین با دستان زنان نفس می‌کشد

| زهره نیلی |
| روزنامه‌نگار |

در جهانی که هر روز، بحران‌های زیست‌محیطی عمیق‌تر می‌شوند، بسیاری از کنشگران محیط‌زیست می‌کوشند با ابزارهای علمی، آموزشی و قانونی جلوی تخریب منابع‌طبیعی را بگیرند. در این میان، اکوتوریسم به‌عنوان یکی از راهکارهای حفاظت از طبیعت، نقشی دوگانه دارد: از یک‌سو می‌تواند به پاسداری از محیط‌زیست کمک کند و از سوی دیگر –درصورت مدیریت نادرست– به تخریب آن بینجامد. کمبود نیروی حفاظتی، زیرساخت‌های ناکافی، نبود منابع مالی پایدار و همچنین، بی‌بهره ماندن جوامع بومی از منافع گردشگری، نیاز به مشارکت مردمی را در حفاظت از محیط‌زیست پررنگ‌تر کرده است؛ مشارکتی که تنها با ارتقای آگاهی عمومی و جلب توجه به بهره‌برداری پایدار از منابع‌طبیعی امکان‌پذیر است. کمک به حفاظت از ارزش‌های بومی و توجه به میراث ناملموس، اهمیت ویژه‌ای در اکوتوریسم دارد. به همین دلیل، در گفت‌وگو با «افسانه احسانی»، مدرس اکوتوریسم و مدیر مؤسسه «آوای طبیعت پایدار» که راهی متفاوت را آزموده و از «هنر برای حفاظت» بهره برده، از تجربه‌اش در این زمینه پرسیدیم. از مفهومی که می‌خواهد میان زیبایی، خلاقیت و حس زندگی با حفاظت از طبیعت پیوند برقرار کند.

«هنر برای حفاظت» چه مفهومی را دنبال می‌کند و چه ویژگی‌هایی دارد؟

شاید بتوان از عنوان کلی‌تر میراث ناملموس که به آن میراث معنوی هم می‌گویند بهره برد. طبق تعریف یونسکو، میراث معنوی میراثی است که به‌طور مداوم به دست گروه‌های انسانی خلق و نسل‌به‌نسل منتقل می‌شود. این میراث ارزشمند، حاصل تعامل انسان‌ها با محیط اطراف، طبیعت و تاریخشان است و به مردم بومی، حس شخصیت و پیوستگی فرهنگی می‌دهد و موجب افزایش احترام مردم به تنوع فرهنگی و نوآوری‌های انسانی می‌شود.

آیا طرح «هنر برای حفاظت» همان توجه به میراث معنوی است؟

بله. کنوانسیون ۲۰۰۳ با هدف حفاظت از میراث‌فرهنگی ناملموس شکل گرفته و تأکید دارد میراث‌فرهنگی ناملموس زمینه‌های مختلفی چون سنت‌ها و نمایش‌های شفاهی و هنرهای اجرایی، آداب و رسوم ویژه، آیین‌ها و جشن‌ها، دانش و تجارب مرتبط با طبیعت، همچون دانش بومی استفاده از ستاره‌ها برای مسیریابی و صنعتگری سنتی، مثل مهارت بافت انواع پارچه‌های دست‌بافت و ساخت عروسک‌های بومی، را دربرمی‌گیرد.

چه شد که تصمیم گرفتید به میراث ناملموس بیشتر بپردازید؛ اصلاً پروژه «هنر برای حفاظت» از چه زمان آغاز شد؟

ماجرای «هنر برای حفاظت» به سال ۸۴ برمی‌گردد. به همان زمان که «لاله دارایی» در چند نشست بین‌المللی شرکت کرد و درباره اهمیت استفاده از هنر برای حفاظت از محیط‌زیست شنید. نتیجه این شد که من و لاله، درباره چندوچون برنامه با هم صحبت و طرحی را به سازمان ملل ارائه کردیم. سال ۸۵ با پروژه‌مان موافقت شد و ما به کار در روستای بُرکه‌حَلَف و شیب‌دراز قشم پرداختیم.

یعنی به طرح حفاظت از لاک‌پشت‌های پوزه‌عقابی پیوستید؟

لاک‌پشت پوزه‌عقابی در معرض انقراض بود و مردم جزیره قشم، بدون آگاهی از اهمیت این گونه ارزشمند جانوری به خوردن تخم آن عادت داشتند. جمعیت روباه‌ها، سگ‌ها و پرنده‌هایی که از تخم این لاک‌پشت تغذیه می‌کردند نیز زیاد بود. درنتیجه، فروردین ۱۳۸۲ به همت مدیر اداره محیط‌زیست منطقه آزاد قشم یعنی «بیژن دره‌شوری»، شورای روستای شیب‌دراز، اهالی روستا و همراهی برنامه کمک‌های کوچک تسهیلات محیط‌زیست جهانی در برنامه عمران سازمان ملل متحد پروژه‌ای برای حفاظت از این گونه تعریف شد. این پروژه از نخستین نمونه‌های مشارکت مستقیم جامعه بومی برای حفاظت از یک گونه جانوری در ایران بود که پس از مدتی به پدیده‌ای با قابلیت‌های اکوتوریستی تبدیل شد.

سهم شما در این پروژه چه بود؟

پروژه «هنر برای حفاظت» از نخستین طرح‌ها در ایران بود که به همت بانوان روستاهای شیب‌دراز و برکه‌خلف قشم و با حمایت «صندوق کمک‌های کوچک تسهیلات محیط‌زیست جهانی سازمان ملل متحد» پایه‌گذاری شد. تلاش این پروژه این بود که با تکیه بر توانمندی‌های زنان روستایی که هنرهای اصیل خود را از مادرانشان آموخته‌اند، زمینه‌ای برای اشتغالزایی و افزایش خودباوری در آنها ایجاد کند. این تجربه از سال ۱۳۸۶ با هدف حفاظت از محیط‌زیست و فرهنگ منطقه آغاز و مسئولیت آن به من سپرده شد.

مخاطبان شما در طرح «هنر برای حفاظت» تنها زنان بودند؟

دلمان نمی‌خواست مخاطبمان فقط زنان روستا باشند، اما تعداد مردان مشارکت‌کننده بسیار اندک بود. به‌همین دلیل، روی زنان متمرکز شدیم تا آنها را با اهمیت این میراث ناملموس آشنا کنیم و راهی پیدا کنیم که حافظه تاریخی مادربزرگ‌ها به نسل جدید منتقل شود و یک هم‌افزایی شکل بگیرد.

خروجی این پروژه چه بود؟

تقویت حس افتخار به ارزش‌های بومی و البته روحیه کار گروهی، ایجاد فضایی مناسب برای تعامل بانوان روستا با یکدیگر، مشارکتشان در پروژه اکوتوریسم و کمک به پایداری آن، ایجاد انگیزه برای ادامه تحصیل و حضور در عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی، تشویق کودکان برای یادگیری این هنر، اشتغالزایی و صدور ارزش‌های فرهنگی به سایر مناطق از طریق صنایع‌دستی بومی از جمله دستاوردهای ما در این طرح بوده است.

آیا می‌توان طرح «ترسیب کربن» و احیای عروسک‌های بومی را نتیجه پروژه «هنر برای حفاظت» دانست؟

طرح «ترسیب کربن» بخشی از برنامه سازمان ملل بود؛ برنامه‌ای برای کاستن از میزان انتشار گازهای گلخانه‌ای و حفاظت از محیط‌زیست. ترسیب کربن به جذب دی‌اکسیدکربن توسط گیاهان و کاهش اثر سوء گرمایش زمین گفته می‌شود. برنامه‌ای که با حمایت سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور از روستای حسین‌آباد در خراسان‌جنوبی شروع شد و به روستاهای چاه یک، چاه دو، همت‌آباد و تاجمیر رسید.

عروسک‌ها یا پیکرک‌های دست‌ساز زنان روستایی خراسان‌جنوبی و قشم و روستای اردبیلک قزوین نتیجه همین طرح «ترسیب کربن» هستند که خود نتیجه و زاییده پروژه «هنر برای حفاظت» است. این عروسک‌ها، علاوه‌بر روایت زندگی زنان سرسخت روستایی، گوشه‌ای فراموش‌شده از فرهنگ و آداب و رسوم مردم منطقه را به نمایش می‌گذارند. فرهنگی که در لابه‌لای خاطرات خاک‌گرفته زنان این منطقه شکل گرفته است.

از قشم به قزوین و خراسان‌جنوبی رسیدید و کارتان همچنان ادامه دارد. چگونه اعتماد مردم را جلب و آنها را به ساخت عروسک‌های بومی علاقه‌مند می‌کنید؟

واکنش مردم در روستاهای مختلف متفاوت است. در منطقه آزاد قشم، خانواده‌های ریشه‌دار و بافرهنگی زندگی می‌کنند که به‌روز هم هستند. این خانواده‌ها را شناسایی کردیم و به آنها گفتیم اگر عروسک بسازند، هم یک محصول جدید تولید کرده‌اند که قابلیت ارائه و فروش دارد؛ هم به زنده‌کردن بخشی از فرهنگشان پرداخته‌اند. آنها هم پذیرفتند و با بزرگ‌ترها صحبت کردند و مشکل برطرف شد. جامعه محلی در روستای ماخونیک با ساخت عروسک کنار نیامد. ماجرای روستای تاجمیر هم متفاوت بود. آنجا هیچ بستری برای فعالیت وجود نداشت و بی‌آبی، بادهای ۱۲۰روزه و شرایط سخت جغرافیایی باعث شد ما فقط و فقط روی عروسک‌ها متمرکز شویم؛ گرچه روستاییان مهاجرت کرده بودند و چیز زیادی از شیوه ساخت عروسک، در خاطرشان باقی نمانده بود. کار ما در تاجمیر دشوار بود؛ سخت‌تر از قشم و قزوین.

چرا روی آیین‌ها و آداب و رسوم ویژه هر منطقه متمرکز نشدید و در بین محصولات فرهنگی گوناگون، عروسک را انتخاب کردید؟

در گوشه‌گوشه ایران، مادرانی بوده و همچنان هستند که با عشق برای فرزندان خود عروسک درست کرده‌اند و شیوه ساخت آن در حافظه تاریخی زنان باقی مانده است. از سوی دیگر، هر کدام از این عروسک‌ها، تنها وسیله‌ای برای سرگرمی نیستند و آداب و رسوم و شرایط اقلیمی منطقه خود را روایت می‌کنند. برای مثال عروسک‌های خراسان‌جنوبی با گیلان تفاوت دارند؛ عروسک‌های خراسان‌جنوبی غمگین‌اند و بیشترشان لباس سیاه برتن دارند، اما در گیلان همه عروسک‌ها خوشحال هستند و شلیته‌های رنگارنگ پوشیده‌اند.

برخی معتقدند افسانه احسانی با موضوع عروسک‌ها، متعصبانه برخورد می‌کند. آیا می‌خواهید عروسک‌ها را صرفاً به اشیای موزه‌ای تبدیل کنید؟

ما بیش از آنکه به جذب مخاطب فکر کنیم، به‌دنبال حفظ میراث خود هستیم. تا زمانی که در هر منطقه، یک موزه دائمی برای عروسک‌ها وجود نداشته باشد، من موافق به‌روز کردن عروسک‌ها نیستیم.

احیای عروسک‌ها، بخشی از طرح «ترسیب کربن» و فراتر از آن «هنر برای حفاظت» بود؛ می‌توان رقابت ناسالم و دور شدن از هدف اصلی یعنی مراقبت از محیط‌زیست را از چالش‌های جدی این پروژه دانست؟

بدون شک غلبه پول و منافع شخصی بر اهداف زیست‌محیطی در طول زمان، ایجاد رقابت‌های ناسالم، کاهش خلاقیت به‌دنبال افزایش تقاضا، فاصله گرفتن از اصالت و توجه به سلیقه مشتری، بالا رفتن قیمت مواد اولیه، حمل‌ونقل و بسیاری موارد دیگر از جمله چالش‌های این طرح است.

در رویارویی با این چالش‌ها چه می‌کنید؟

ما دلمان می‌خواهد چیزی تولید کنیم که در بازار وجود ندارد. اصلاً گاهی خلاف جریان آب شناکردن، خوشایند است؛ ما به‌زور توجه آدم‌ها را به حفظ محیط‌زیست و میراث فرهنگی‌شان معطوف نمی‌کنیم. هدف ما در درجه اول، فرهنگ است و بعد اقتصاد. ما در طول این سال‌ها توانسته‌ایم مردم قشم را واکسینه کنیم و لازم است این کار را با مناطق دیگر هم انجام دهیم. وقتی به یک زن روستایی عزت نفس می‌دهیم، کمک می‌کنیم خودش را پیدا کند و به کارش ادامه دهد، او را واکسینه کرده‌ایم. البته در این مسیر دشواری‌هایی هم وجود دارد، اما به‌گمانم، طرح «هنر برای حفاظت» به جان آدم‌ها نشسته؛ همین‌که امروز، صفحات اینستاگرامی بسیاری هستند که عروسک بومی تولید می‌کنند، خوب است. حرکت‌های این‌چنینی نشان می‌دهد احیای یک سنت، هم به حفظ فرهنگ و آداب و رسوم یک منطقه کمک می‌کند و هم در ایجاد اشتغال برای مردم نقش دارد.

نوبت دوم

سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان قزوین
اداره ثبت است و املاک شهرستانی ابیک

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رای ۱۴۰۴۶۰۳۰۹۰۰۳۰۰۰۴۸۵ مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۰۱ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی آبیک کلاسه ۱۴۰۳۱۱۴۴۰۹۰۰۳۰۰۰۷۸۹ تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی آقای وحید صیادی فرزند محمد به شماره شناسنامه و کدملی ۴۹۴۰۰۶۳۳۰۵ صادره از دالاهو در ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۲۰۱/۵۵ مترمربع از پلاک شماره ۱ اصلی واقع در بخش ۱۶ قزوین حوزه ثبت ملک آبیک می‌باشد. احراز مالکیت متقاضی نسبت به ملک مورد تقاضا و انتقال ملک از مالک رسمی به متقاضی داشته و تصرفات متقاضی نسبت به مورد تقاضا احراز گردیده؛ لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌گردد. درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی و نیز املاک واقع در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند و معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، مبادرت به تقدیم دادخواست در مراجع قضایی نموده و گواهی آنرا را به اداره ثبت تحویل دهد و درصورتی‌که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد با معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل را به اداره ثبت ارائه نکند، اداره ثبت محل مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع مراجعه متضرر به دادگاه نمی‌باشد.

علی مافی – رئیس اداره ثبت‌اسناد و املاک آبیک
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۷/۰۶
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۷/۲۲
شناسه آگهی: ۲۰۰۷۸۷۳

نوبت دوم

سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
حوزه ثبت ملک منطقه دو ساری

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی حوزه ثبتی شهرستان ساری برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۰۴۵۶۰۰۹۰۱۶ مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۱۹ که در هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی منطقه ۲ ساری تصرفات مالکانه

خانم ژیلا حدیدی و سید محمدعلی یعقوبیان و خانم کبری قربانی کرد خیلی فرزند عطاءاله و سید جمال و امیر به شماره ملی ۱۱۹۹۱۹۳۷۲۰ و ۲۰۹۳۶۳۳۳۷۱ و ۲۰۹۳۰۱۷۲۹۶ هر یک نسبت به دو دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۱۰۱/۸۱ مترمربع قسمتی از پلاک ۳۱ - اصلی واقع در قریه قرق بخش ۲ ثبت ساری

لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی بمدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را مرجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۷/۰۷
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۷/۲۲

بهنام سراج پور
مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه دو ساری
شناسه آگهی: ۲۰۱۱۵۵۳

نوبت دوم

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان کرمان
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک ریگان

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۹۰۸۲۰۰۰۴۹۵ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ریگان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای آرش اسعدپور بهزادی فرزند محمدعلی بشماره شناسنامه ۱۴ صادره از بم در ششدانگ باغ به مساحت ۱۶۲۴۴/۱۴ مترمربع پلاک۴۷ فرعی مفروز و مجزی شده از پلاکهای ۳۳ فرعی و ۳۴ فرعی از ۴۸۸۳ اصلی واقع درشهرستان گنبکی روستای علی اباد محمدقاسم خان بخش ۳۲ کرمان خریداری از مالکیت رسمی آقای احمدعلی اسعدپوربهزادی محرز گردیده است.لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۴/۰۷/۰۷
تاریخ انتشار نوبت دوم :۱۴۰۴/۰۷/۲۲
رئیس ثبت اسناد و املاک ریگان

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان کرمان
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک ریگان
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۹۰۸۲۰۰۰۴۹۷ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ریگان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای بابک اسعدپور بهزادی فرزند محمدعلی بشماره شناسنامه ۲۹۸۰۳۵۳۰۰۰ صادره از کرمان در ششدانگ باغ به مساحت ۵۸۳۱ مترمربع پلاک۴۹ فرعی مفروز و مجزی شده از پلاک ۳۳ فرعی از ۴۸۸۳ اصلی واقع در شهرستان گنبکی روستای علی اباد محمدقاسم خان بخش ۳۲ کرمان خریداری از مالکیت رسمی آقای احمدعلی اسعدپوربهزادی محرز گردیده است.لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۴/۰۷/۰۷
تاریخ انتشار نوبت دوم :۱۴۰۴/۰۷/۲۲
رئیس ثبت اسناد و املاک ریگان

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان کرمان
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک ریگان
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۹۰۸۲۰۰۰۴۵۶ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ریگان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای بابک اسعدپور بهزادی فرزند محمدعلی بشماره شناسنامه ۲۹۸۰۳۵۳۰۰۰ صادره از کرمان در ششدانگ باغ مشتمل بر خانه و گاوداری به مساحت ۱۹۷۵۷/۹۴ مترمربع پلاک۴۶ فرعی مفروز و مجزی شده از پلاک ۵ فرعی از ۴۸۸۳ اصلی واقع در شهرستان گنبکی روستای علی اباد محمدقاسم خان بخش ۳۲کرمان خریداری از مالک رسمی آقای محمدعلی اسعدپور بهزادی محرز گردیده است.لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۴/۰۷/۰۷
تاریخ انتشار نوبت دوم :۱۴۰۴/۰۷/۲۲
رئیس ثبت اسناد و املاک ریگان

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان کرمان
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک ریگان
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۹۰۸۲۰۰۰۳۳۸ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ریگان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای آرین اسعدپوربهزادی فرزند محمدعلی بشماره شناسنامه ۴۱۵ صادره از اصفهان در ششدانگ باغ به مساحت ۲۹۲۸۳/۶۸ مترمربع پلاک۴۵ فرعی از ۴۸۸۳ اصلی واقع در شهرستان گنبکی روستای علی اباد محمدقاسم خان بخش ۳۲ کرمان خریداری از مالک رسمی آقای محمدعلی اسعدپور بهزادی محرز گردیده است.لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۴/۰۷/۰۷
تاریخ انتشار نوبت دوم :۱۴۰۴/۰۷/۲۲
رئیس ثبت اسناد و املاک ریگان

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان کرمان
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک ریگان
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۹۰۸۲۰۰۰۵۰۰ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ریگان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای کریم شهریاری فرزند دوست محمد بشماره شناسنامه ۴۹۰ صادره از محمد آباد درششدانگ اعیان وچهاردانگ عرصه پاساژ (دو دانگ عرصه وقف میباشد) به مساحت ۲۸۵/۲۲ مترمربع پلاک۷۹۳ فرعی از ۴۵۲۶ اصلی واقع در محمدآباد ریگان بلوار جمهوری اسلامی بخش ۳۲ کرمان از مالکیت رسمی آقای کریم شهریاری (متقاضی) محرز گردیده است.لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۴/۰۷/۰۷
تاریخ انتشار نوبت دوم :۱۴۰۴/۰۷/۲۲
رئیس ثبت اسناد و املاک ریگان

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان کرمان
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک ریگان
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۹۰۸۲۰۰۰۴۹۶ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ریگان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای آرش اسعدپور بهزادی فرزند محمدعلی بشماره شناسنامه ۱۴ صادره از بم در ششدانگ باغ به مساحت ۱۳۱۰۳/۶۰ مترمربع پلاک۴۸ فرعی مفروز و مجزی شده از پلاک ۲۷ فرعی از ۴۸۸۳ اصلی واقع در شهرستان گنبکی روستای علی اباد محمدقاسم خان بخش ۳۲ کرمان خریداری از مالکیت رسمی آقای احمدعلی اسعدپوربهزادی محرز گردیده است.لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۴/۰۷/۰۷
تاریخ انتشار نوبت دوم :۱۴۰۴/۰۷/۲۲
رئیس ثبت اسناد و املاک ریگان
شناسه آگهی: ۲۰۱۱۹۶۷

طرح «رینگ پساب» مشکلات آبی را حل می‌کند؟

برنامه‌های ناکافی برای نجات «اصفهان»

شهرداری: این طرح به تغذیه آبخوان‌ها هم کمک می‌کند. کارشناسان: راه‌حل اصلی کاهش برداشت است، مابقی حاشیه

ایرنا

| ستاره حجتی |
| روزنامه‌نگار |

برنامه هفتم توسعه، دولت را مکلف به استفاده از پساب برای تأمین آب مورد نیاز آبیاری فضای سبز و صنایع کرده است. حالا شهرداری اصفهان از طرحی رونمایی کرده که به «رینگ پساب» موسوم است و طبق گفته شهرداری، می‌تواند تمام آب مورد نیاز فضای سبز اصفهان را از طریق تصفیه‌خانه‌ها فراهم کند. شهرداری اصفهان مدعی است مزایای طرحی که حداقل پنج سال احداث و تکمیل آن به درازا خواهد کشید، بیشتر از این حرف‌هاست و رینگ پساب آبخوان‌ها را هم تغذیه می‌کند. کارشناسان اما می‌گویند اقدام شهرداری برای نجات درختان نصف جهان عالی است، اما راه‌حل نجات کلانشهر اصفهان و زاینده‌رود نیست و تمرکز بر آن به‌عنوان راه‌حل اصلی، مسئله را به حاشیه می‌برد: «طرح‌های پساب و انتقال آب در کنار هم نمی‌توانند نیمی از اضافه‌برداشت از حوضه آبریز زاینده‌رود را هم جبران کنند. همه‌چیز کاهش برداشت و احیای زاینده‌رود و زنده‌کردن طبیعی آبخوان‌هاست. این موضوعی است که نباید به حاشیه برود.»

نام اصفهان این سال‌ها با فرونشست، خشکی زاینده‌رود، کمبود آب شرب و کشاورزی و هزار و یک مشکل دیگر در بخش آب گره خورده است. مشکلی که همه کارشناسان و حتی مسئولان آبی کشور بر دلایل آن اتفاق‌نظر دارند: «اضافه‌برداشت بیش‌ازحد، از منابع آبی اصفهان مانند سد زاینده‌رود، که نه‌فقط این کلانشهر را با چالش روبه‌رو کرده، بلکه تالاب «گاوخونی» را هم خشکانده است. رخدادهایی ناگوار و بدون مدیریت که موجب شده‌اند این منطقه عنوان «نخستین منازعات آبی میان استانی» را هم از آن خود کند.

حالا شهرداری اصفهان، طرحی به‌نام «رینگ پساب اصفهان» ارائه کرده که طبق ادعای شهرداری، درصورت اجرا می‌تواند بخش قابل‌ملاحظه‌ای از مشکلات آب این کلانشهر تاریخی را حل کند.

چگونه طرحی؟

براساس آنچه شهرداری اصفهان در مورد جزئیات این طرح اعلام کرده است، «رینگ پساب» به‌عنوان شبکه‌ای منظم و حلقه‌وار از لوله‌های عظیم در زیر زمین شهر گسترده می‌شود تا پساب تصفیه‌شده از تصفیه‌خانه‌های حاشیه‌ای را به شهر بازگرداند. این رینگ دوگانه، یکی در حاشیه و دیگری در بافت مرکزی اجرا خواهد شد و مأموریت دارد آب تصفیه‌شده را به پارک‌ها، بلوارها و درختان شهر برساند. درحقیقت، این رینگ به‌عنوان ابزاری برای کاهش مصرف آب در بخش فضای سبز استفاده خواهد شد.»

ایسنا هم به‌نقل از «مهدی بقایی»، معاون محیط‌زیست و خدمات شهری شهرداری اصفهان، درباره این طرح نوشت: «در تصفیه تکمیلی پساب (فاضلاب خام)، سیاست کلی ما این است که تصفیه‌خانه‌ها، به‌جز واحدهای لوکال که در داخل شهر مستقر می‌شوند، عمدتاً در حاشیه شهر احداث شوند تا مدیریت مؤثرتری در جمع‌آوری و بازچرخانی آب صورت گیرد. پیش‌تر هر پارک و هر فضای سبز در هر منطقه، چاهی مستقل داشت و از همان طریق آب موردنیاز خود را تأمین می‌کرد، اما امروز سیاست شهرداری این است که در نقاط پیرامونی شهر تصفیه‌خانه‌های متمرکز ایجاد کنیم و سپس از طریق شبکه‌ای منظم، آب تصفیه‌شده را به سراسر شهر برسانیم. به همین دلیل، طراحی شبکه توزیع پساب به‌صورت مشبک یا به‌اصطلاح شطرنجی، از جمله پیشنهادهای جامع و منحصربه‌فرد طرح آبرسانی اصفهان بوده است.»

به‌گفته بقایی، طبق این طرح، دو رینگ برای شهر اصفهان در نظر گرفته شده است؛ یک رینگ بیرونی به طول ۹۶ کیلومتر که اکنون تقریباً به پایان رسیده و یک رینگ داخلی به طول ۲۶ کیلومتر که عملیات اجرایی آن در حال انجام است. هم‌اکنون کارگاه‌های متعددی در نقاط مختلف شهر فعال‌اند؛ از جمله در خیابان چمران و در مسیر کنارگذر آتشگاه به‌سمت پل وحید. وظیفه این رینگ‌ها آن است که در دو مسیر رفت و برگشت، آب تصفیه‌شده را به نقاط مختلف شهر هدایت کنند: «شبکه فاضلاب وظیفه هدایت پساب خام شهری به خارج از محدوده شهر را دارد، درحالی‌که رینگ پساب، شبکه‌ای معکوس است و مأموریت دارد آب‌های تصفیه‌شده را از حاشیه به داخل شهر برساند تا برای آبیاری فضاهای سبز و درختان مورد استفاده قرار گیرد. ما در حال آماده‌سازی زیرساختی بسیار مهم برای آینده شهر هستیم. برآوردها نشان می‌دهد نیاز آبی فضای سبز اصفهان در شرایط کم‌آبی حدود ۶۰ میلیون مترمکعب و در شرایط پرآبی حدود ۹۰ میلیون مترمکعب در سال است؛ معادل سه هزار لیتر بر ثانیه. از این میزان، حدود هزار لیتر بر ثانیه از طریق چاه‌ها، هزار لیتر بر ثانیه از طریق رودخانه و هزار لیتر از پساب تأمین می‌شود.»

بقایی همچنین توضیح داده است: «در شرایط کنونی که نه رودخانه‌ای جاری است و نه چاه‌های پرشماری در اختیار داریم، استفاده از چاه‌ها نیز چندان مطلوب نیست؛ چراکه فرونشست زمین در اصفهان به‌شدت افزایش یافته و برداشت آب زیرزمینی را خطرناک کرده است. بنابراین، اگر در دوره‌های پرآبی نتوانیم از منابع سطحی استفاده کنیم، باید دست‌کم همان ۶۰ میلیون مترمکعب آب تصفیه‌شده را برای حفظ حیات درختان شهر تأمین کنیم. در دوره‌های خشکسالی آمارها نشان می‌دهد برای زنده نگه‌داشتن حداقلی درختان، به حدود ۳۶ میلیون مترمکعب آب نیاز داریم، درحالی‌که طی سال‌های اخیر بیش از ۲۷ میلیون مترمکعب آب در اختیار نداشته‌ایم. به همین دلیل، درختان شهر با تنش و کم‌آبی روبه‌رو شده‌اند. تصفیه‌خانه‌هایی که هم‌اکنون در اختیار داریم، در مجموع حدود ۳۰۰ تا ۴۰۰ لیتر بر ثانیه آب تصفیه‌شده تولید می‌کنند که دارای گرید C است و تنها در بخش‌های جنگلی و برای آبیاری درختان غیرمثمر قابل‌استفاده است، اما در تصفیه‌خانه‌های جدید، کیفیت آب به گرید A ارتقا می‌یابد و می‌توان از آن در تمامی فضاهای شهری استفاده کرد. در مرحله کنونی ظرفیت تصفیه‌خانه‌ها تا هزار لیتر بر ثانیه افزایش یافته و هدف‌گذاری شده است که تا سال ۱۴۱۰، کل ۶۰ میلیون مترمکعب نیاز آبی فضای سبز شهر از پساب تصفیه‌شده تأمین شود. در دوره‌های پرآب، آب چاه‌ها و درصورت جاری بودن، آب رودخانه زاینده‌رود نیز به‌صورت مکمل به کار گرفته می‌شود تا در زمان‌های بی‌آبی، شهر حداقل تاب‌آوری زیستی و پوشش درختی خود را حفظ کند.»

به‌گفته او، در مرحله فعلی تنها رینگ اصلی در حال اجراست. آب تصفیه‌شده در نقاط تحویلی سررینگ‌ها به مناطق مختلف تحویل داده می‌شود و هر منطقه نیز باید شبکه توزیع محلی خود را ایجاد کند تا آب را تا پارک‌ها و فضاهای سبز برساند. برای جلوگیری از افت فشار، احداث مخزن، ایستگاه پمپاژ و موتورخانه نیز ضروری است که این مراحل به‌تدریج در حال اجراست: «این طرح، فرایندی زمان‌بر اما بسیار بنیادین است و نمی‌توان انتظار داشت ظرف مدت کوتاهی تکمیل شود. بااین‌حال، در ماه‌های اخیر سرعت پیشرفت پروژه به‌طور چشمگیری افزایش یافته است. این اقدام، گامی بلند در مسیر ایجاد زیرساخت پایدار برای شهر است؛ شهری که بتواند با تکیه بر پساب تصفیه‌شده، درختان خود را حفظ و گونه‌های گیاهی مقاوم‌تری را جایگزین کند تا در عین کاهش نیاز آبی، امکان توسعه فضای سبز نیز فراهم شود. آب تصفیه‌شده‌ای که با گرید A تولید می‌شود، قابلیت رهاسازی در مادی‌ها را نیز دارد. در فصول زمستان که نیاز آبی فضای سبز کاهش می‌یابد، می‌توان این آب را در دهنه مادی‌ها رها کرد؛ اقدامی که هم به احیای سرزندگی محلات و افزایش تزریق آب به آبخوان‌ها کمک می‌کند و هم موجب پُرآب‌تر شدن مادی‌ها و بهبود سیمای طبیعی شهر می‌شود. این دستاورد، یکی از اثرگذارترین گام‌ها در مسیر پایداری محیط‌زیست و حفظ حیات شهری اصفهان است.»

فناوری‌های جدید

«سیدمهدی حسینی»، مدیر بهینه‌سازی، تعمیرات و نگهداری تأسیسات شهری شهرداری اصفهان، توضیحات دیگری به این گفته‌ها اضافه می‌کند: «ازآنجاکه این حوزه جزء وظایف تخصصی ماست، نگهداری و تعمیرات شبکه پساب به‌صورت متمرکز انجام می‌شود. در این سازوکار، بهره‌برداری از ابتدا تا انتهای مسیر مشخص شده است؛ به این معنا که از لحظه‌ای که فاضلاب خام از تصفیه‌خانه شرکت آب‌وفاضلاب تحویل گرفته می‌شود تا انتقال آن به تصفیه‌خانه‌های تکمیلی، تمامی مراحل تحت کنترل قرار دارد. در تصفیه‌خانه تکمیلی عملیات اصلاح پارامترها، میکروب‌زدایی، گندزدایی و حذف ذرات معلق انجام می‌شود تا پساب خروجی به آبی استاندارد برای آبیاری فضای سبز تبدیل شود.

حسینی توضیح می‌دهد: «کیفیت فاضلاب ورودی در شبکه شهری، در ساعات مختلف شبانه‌روز متغیر است و حجم آن نیز نوسان دارد. از سوی دیگر، گستردگی تأسیسات در سطح شهر اصفهان، فرایند نگهداری را دشوار می‌کند. بااین‌حال، عملیات نشتی‌یابی به‌صورت مستمر انجام می‌شود و درصورت مشاهده هرگونه نشتی، سریعاً رفع می‌شود. همچنین، تجهیزات موجود نیز طبق چک‌لیست‌های مدون به‌صورت منظم سرویس و نگهداری می‌شوند. با ورود تجهیزات جدید به شبکه شهری از جمله سیستم‌های تولید اکسیژن و اوزون و تزریق آنها از طریق پمپ‌های نانوحباب به پساب نیاز به شیوه‌های نگهداری ویژه احساس می‌شود. بااین‌حال، در مقایسه با روش‌های سنتی، فناوری‌های جدید ضمن کاهش قابل‌توجه هزینه‌ها، مصرف انرژی را نیز به میزان تقریبی یک‌سوم روش‌های پیشین کاهش داده‌اند. به بیان دیگر، در این فرایند شاهد سه برابر صرفه‌جویی در مصرف انرژی هستیم که این موضوع گامی مهم در جهت بهره‌وری و پایداری شهری به‌شمار می‌رود.»

در مورد این طرح یک سؤال مهم مطرح است: آیا حقیقتاً اجرای این طرح می‌تواند گره‌ای از مشکل آب و فرونشست در اصفهان را بگشاید. سؤالی که کارشناسان به آن پاسخی بدون قطعیت می‌دهند.

«محمد ترکارانی»، کارشناس آب، در این مورد می‌گوید: «بدون شک این اقدام، طرح خوبی است اما طرح خوب، به‌معنای طرح کافی نیست. نباید سوءتفاهم ایجاد شود؛ هیچ طرح تغذیه مصنوعی‌ای، جای برداشت صحیح را نمی‌گیرد. رینگ‌پساب اقدامی بسیار درست است و صد درصد می‌توان از آن به‌عنوان یکی از بهترین طرح‌هایی که شهرداری برای نجات فضای سبز اصفهان و تحقق اهداف زیباسازی شهری برنامه‌ریزی کرد، نام برد. اما این به‌معنای این نیست که این پساب، اصفهان را از فرونشست و زاینده‌رود را از خشکی نجات می‌دهد.»

او ادامه می‌دهد: «هیچ‌کدام از برنامه‌های دولت برای نجات اصفهان کافی نیست. هیئت وزیران و برنامه هفتم تأکید بر استفاده از پساب دارد، یکی در بخش صنعت، یکی در بخش فضای سبز، اما بیایید ببینیم اگر این طرح پساب را هم کنار طرح‌های انتقال آب به اصفهان بگذاریم، جبران کسری آب خواهد بود یا نه. براساس آخرین آمار و طبق تابلوی منابع و مصارف، دولت از حوضه زاینده‌رود، معادل یک‌هزار و ۹۷۶ میلیون مترمکعب برداشت می‌کند. وزارت نیرو اعلام کرده است با هدف تأمین آب صنایع در این حوضه آبریز، حفظ محیط‌زیست استان، احیای زاینده‌رود و گاوخونی و جلوگیری از فرونشست بیشتر زمین، با انتقال آب دریای عمان در فاز نخست، امکان انتقال ۷۰ میلیون مترمکعب آب را فراهم کرده است؛ عددی کمتر از «یک‌سی‌ام» برداشت فعلی. یعنی عملاً چیزی از اضافه‌برداشت جبران نمی‌شود. شما هر طور نگاه کنید، تنها راه نجات اصفهان کاهش برداشت است. آبخوان‌های اصفهان چرا دیگر تغذیه نشدند و نرخ فرونشست در اصفهان تا این حد زیاد شد؟ چون زاینده‌رود دیگر بر بستر و مسیر تاریخی‌اش جاری نبود. من فکر می‌کنم در مورد مشکلات آبی اصفهان دو موضوع خیلی مهم به‌هیچ‌عنوان نباید فراموش شود: یک: ما زمان برای اجرای طرح‌های بلندمدت نداریم. بلکه باید در کنار برنامه‌های بلندمدت، حتماً و حتماً برنامه‌های کوتاه‌مدتِ زود بازده، که معطوف به‌کاهش برداشت باشند را اجرا کنیم. مانند اجرای طرح نکاشت در اراضی باغی و کشاورزی بالادست زاینده‌رود. موضوع دوم اینکه اولویت همه برنامه‌های اجراشده، کاهش برداشت، حداقل تا بازگشت به استاندارد تابلوی منابع مصارف، باشد که البته آن‌هم کاملاً کافی نیست.»

اصفهان در شرایط پیچیده‌ای قرار دارد. مسئله و چالش آب در حال بلعیدن همه داشته‌های اقتصادی، فرهنگی و تاریخی این شهر است. حوادث ناشی از فرونشست در این شهر هر ماه به تیتر خبرها بدل می‌شود و مشاغل زیادی تحت‌تأثیر تنش آبی قرار گرفته‌اند. دولت همه برنامه‌هایش را بر تأمین آب در این شهر قرار داده است و گویا خیال ندارد از برداشت آب از حوضه آبریز زاینده‌رود دست بردارد. رویکردی که کارشناسان تأکید می‌کنند به ترکستان خواهد رسید، نه حل مشکلات!

خبر

چین با انرژی خورشیدی، شبکه هوشمند می‌سازد

چین در سال‌های اخیر تمرکز ویژه‌ای بر ادغام منابع انرژی توزیع‌شده (DERs) در شبکه برق ملی خود داشته است که می‌تواند الگوی جهانی برای گذار به انرژی‌های تجدیدپذیر و شبکه‌های هوشمند ایجاد کند. آژانس بین‌المللی انرژی در گزارشی اعلام کرد این منابع شامل سامانه‌های خورشیدی پشت‌بامی، توربین‌های بادی کوچک، واحدهای تولید هم‌زمان برق و حرارت، ایستگاه‌های شارژ و ذخیره‌سازی خودروهای برقی و سامانه‌های باتری لیتیومی هستند که در نقاط مختلف کشور نصب شده و به‌صورت یکپارچه مدیریت می‌شوند. طی دهه گذشته، افزایش بی‌سابقه تقاضای برق، دغدغه‌های زیست‌محیطی و تعهدات بین‌المللی باعث شد چین ساختار انرژی خود را از یک سیستم متمرکز مبتنی‌بر سوخت‌های فسیلی به یک نظام چندمنبعی و کم‌کربن تغییر دهد. در این راستا، برنامه‌های «انرژی اینترنت» و «شبکه برق هوشمند ملی» از سال ۲۰۱۶ برای مدیریت و کنترل میلیون‌ها منبع کوچک انرژی اجرا شده است. هم‌اکنون بیش از ۶۰ درصد ظرفیت خورشیدی نصب‌شده در چین در قالب پروژه‌های کوچک‌مقیاس توزیع‌شده قرار دارد و تنها در سال ۲۰۲۴ بیش از ۵۰ گیگاوات به این ظرفیت افزوده شده است. همچنین، رشد خودروهای برقی به بیش از ۲۰ میلیون دستگاه، امکان استفاده از آنها به‌عنوان منابع ذخیره و پشتیبان شبکه را فراهم کرده است. برای مدیریت این منابع، شرکت شبکه دولتی برق چین، شبکه‌ای از مراکز داده و پلتفرم‌های هوشمند تحت عنوان «New Energy Cloud» راه‌اندازی کرده که اطلاعات تولید و مصرف برق میلیون‌ها نقطه را به‌صورت لحظه‌ای تحلیل و با هوش مصنوعی، شبکه را متعادل می‌کند. با وجود پیشرفت‌ها، نوسانات تولید خورشیدی و بادی، نبود استانداردهای فنی واحد و دشواری پیش‌بینی مصرف محلی از مهم‌ترین چالش‌ها هستند. چین با پروژه‌های آزمایشی در استان‌های شان‌دونگ، گوانگ‌دونگ و جیانگ‌سو، مدل‌های جدید کنترل تطبیقی و ذخیره‌سازی ترکیبی انرژی را توسعه می‌دهد. در حوزه سیاستگذاری، قیمت‌گذاری برق محلی به تولیدکنندگان کوچک امکان فروش مازاد برق به شبکه را می‌دهد و بازارهای محلی انرژی را تقویت می‌کند، اقدامی که می‌تواند به شکل‌گیری یک بازار برق غیرمتمرکز و رقابتی منجر شود. کارشناسان معتقدند ادغام موفق منابع توزیع‌شده نه‌تنها وابستگی به زغال‌سنگ و سوخت‌های فسیلی را کاهش می‌دهد، بلکه مسیر تحقق هدف «کربن خنثی» تا سال ۲۰۶۰ را هموار می‌کند و زمینه نوآوری در ذخیره‌سازی انرژی، مدیریت داده‌های کلان و هوش مصنوعی را فراهم می‌کند. تجربه چین نشان می‌دهد گذار به شبکه‌های هوشمند و توزیع‌شده، صرفاً یک تحول فناورانه نیست، بلکه نیازمند هماهنگی میان سیاستگذاری، سرمایه‌گذاری و مشارکت اجتماعی است؛ چشم‌اندازی که تولید و مصرف برق را از نیروگاه‌های بزرگ فراتر می‌برد و همکاری میلیون‌ها منبع کوچک و هوشمند را ممکن می‌کند. چین همچنین طی ۱۰ سال اخیر یکی از اصلی‌ترین بازارهای صادراتی پنل‌ها و تجهیزات خورشیدی را داراست. تا جایی که بازار صادراتی این محصولاتش را نه فقط در آسیا، بلکه در آمریکا و اروپا نیز گسترش داده است. ایران هم یکی از مشتری‌های این بازار است و تقریباً بخش عمده‌ای از ادوات نیروگاه‌های خورشیدی خود را از چین وارد می‌کند.

|آژانس بین‌المللی انرژی (IEA)

نوبت اول

به حکایت محتویات پرونده ۱۴۰۳۲۱۹۲۰۰۰۱۱۶۳۲۰۵ که در این شعبه دادگاه تحت رسیدگی می‌باشد اعلام گردیده، آقای قاضی رودینی فرزند فیصل تاریخ تولد ۱۳۴۶/۰۲/۰۲ به مدت ۱۶ سال در سفر بحری ماهی گیری دریای خلیج‌فارس دچار خطر مرگ گردیده و مفقود گردیده و هیچگونه خبری از نامبرده در دست نیست؛ لذا بدین‌وسیله ضمن اعلام مراتب از کلیه کسانی که خبری از غایب یاد شده دارند دعوت می‌شود اطلاعات خود را به نحو مقتضی در اختیار این دادگاه قرار دهند تا حقی از کسی تضییع نگردد. این آگهی سه نوبت متوالی هر یک به فاصله یک ماه در اجرای ماده ۱۰۲۳ قانون مدنی در امور مدنی منتشر می‌گردد بدیهی است چنانچه یک سال از تاریخ اولین اعلان (نشر آگهی) حیات غایب ثابت نشود حکم موت فرضی او صادر خواهد شد.

قاضی شعبه ۲ دادگاه خانواده شهرستان کرمان (۱۲ خانواده سابق) - صابر ملائی

استان کرمان - شهرستان کرمان - میدان عاشورا - مجتمع قضایی دادگاه خانواده شهرستان کرمان - کدپستی: ۷۶۱۴۶۵۹۷۹۱ -تلفن: ۰۳۴۳۲۷۳۶۳۰۳

م الف: ۹۳

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۷/۲۲

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۸/۲۲

تاریخ انتشار نوبت سوم: ۱۴۰۴/۰۹/۲۲

خبر

خشکسالی تمام می‌شود؟

مدیر پژوهشکده منابع آب وزارت نیرو با اعلام اینکه در «در آینده قطعاً سال‌هایی را خواهیم داشت که بارش‌های زیادی داشته باشیم»، گفت: «باید توجه داشته باشیم که برای تنظیم‌گری آب، به‌جز بارش، منابع آبی دیگری مانند سدها، رودخانه‌ها و منابع زیرزمینی نیز وجود دارد. اکنون در شرایطی قرار گرفتیم که نمی‌توانیم مانند گذشته از ذخایر آبی خود استفاده کنیم؛ زیرا سدهایمان کم‌آب شده‌اند و منابع زیرزمینی نیز از لحاظ کمی و کیفی به‌شدت کاهش یافته است و این مسئله موجب شده نسبت به تنش‌های آبی به‌شدت حساس شویم. بااین‌حال، بالاخره خشکسالی‌ها تمام می‌شود، اما با یک یا دو سال بارندگی این اتفاق نخواهد افتاد.» «محمدجواد زارعیان» با اشاره به کاهش شدید بارش‌ها در کشور گفت: «سال آبی گذشته سخت‌ترین دوره ۵۰ سال اخیر بود و حتی خشکسالی تمام هم شود، با یک یا دو سال بارندگی جبران نمی‌شود.

در چند سال اخیر، به‌جز چند موردی که بارش‌ها بیشتر بوده، به‌طورکلی میانگین بارش‌ها در کشور کاهش یافته داشته است و از طرف دیگر، افزایش مصارف آب موجب ایجاد عدم تعادل در میزان آب و درنتیجه خشکسالی در کشور شده است.» او ادامه داد: «پیرو اعلام مرکز منطقه‌ای مدیریت آب شهری وابسته به یونسکو مستقر در تهران، مبنی‌بر نیازمندی به سامانه‌ای که بتواند خشکسالی را براساس بارش‌ها در ایران و کشورهای همسایه پوشش دهد. سامانه «منطقه‌ای پایش خشکسالی» را ایجاد کردیم. این موضوع از جهت پایش خشکسالی و میزان بارش در کشور، مرزها و کشورهای همسایه برای ما دارای اهمیت است؛ چراکه می‌تواند در مذاکرات منطقه‌ای برای آب اثرگذار باشد.

در این سامانه خشکسالی، بارش‌ها قرار داده شده و به‌مرور پیش‌بینی‌ها نیز به آن اضافه خواهد شد تا بتوان به پیش‌بینی خشکسالی‌ها در افق‌های چندماهه دسترسی داشت. اطلاعات این سامانه براساس داده‌های مشاهداتی، ماهواره‌ای و جهانی است. تفاوت «سامانه منطقه‌ای پایش خشکسالی» با دیگر سامانه‌ها علاوه‌بر پوشش اطلاعات مربوط به خشکسالی در کشور در پوشش خشکسالی کشورهای همسایه است، با توجه به اینکه این کشورها با ما مناسبات و منازعات آبی دارند، می‌توان وضعیت آنها را جدا از هواشناسی درباره آب نیز پایش کرد. این سامانه همواره براساس آخرین داده‌ها به‌روزرسانی شده و شاخصه‌های خشکسالی را ارائه داده است و حتی با خشکسالی‌های گذشته مقایسه می‌کند.» به‌گفته او، سال آبی خیلی سختی را پشت سر گذاشتیم، به‌طوری‌که بسیاری از استان‌های کشور کمترین بارش‌ها را در ۵۰ سال گذشته خود تجربه کرده‌اند، حتی استانی مانند یزد کمترین بارش‌ها را در ۶۳ سال گذشته داشته است. این وضعیت نشان از شدید بودن وضعیت خشکسالی در کشور است: «بعضی از نواحی کشور که منبع اصلی تأمین آب هستند، با کاهش شدید حجم آب مواجه شدند. این کاهش ابتدا در کشاورزی و سپس در نیروگاه برقابی خود را نشان داد. از طرف دیگر، براساس پیش‌بینی‌های سازمان هواشناسی خشکسالی، در عمده نواحی کشور تا آخر پاییز ادامه خواهد داشت. به بیان دیگر، وضعیت حداقل تا آخر پاییز خوش‌بینانه نخواهد بود. خوشبختانه به‌دلیل تنوع اقلیم کشور، سابقه تاریخی‌ای در مدیریت تنش‌های آبی داریم. بنابراین، زمانی که خشکسالی در منطقه‌ای اتفاق می‌افتد، باید آن منطقه را نسبت به سابقه خود سنجید. بااین‌حال، به‌طورکلی در کشور به‌جز برخی نواحی محدود با کاهش بارندگی مواجه هستیم.»|

وب‌سایت خبری وزارت نیرو

دریاقتی

میراث کوهستانی گیلان از جلگه تا آسمان کشیده شده است

نفس شمال از دل «سُماموس» برمی‌خیزد

| نیما فریدمجتهدی |
| دانش‌آموخته آب‌وهواشناسی |

توده کوهستانی «سُماموس» مرتفع‌ترین کوه استان گیلان و یکی از قلل شاخص البرز غربی است. موقعیت خاص این کوه و قرارگیری‌اش در جوار دریای کاسپین و آزاد بودن سه جبهه آن از بدنه البرز، منظری شگفت‌انگیز برای آن ایجاد کرده و نزدیک‌ترین قله بالای سه هزار متر به دریای کاسپین به‌شمار می‌رود. نفوذ هرروزه رطوبت به‌شکل مه و ابر، حجم قابل‌توجه بارش، گستره جنگل‌های هیرکانی بر بخش بزرگی از دامنه‌ها، اینجا را به یکی از کانون‌های تنوع‌زیستی تبدیل کرده است. یکی از جنبه‌های زمین‌شناسی پرارزش این توده کوهستانی، رخنمون سازند کنگلومرای جواهرده (ژوراسیک) است. فقط در محدوده گیلانی این مجموعه کوهستانی ۶۹۳ چشمه شناسایی و در میانه تمامی شگفتی‌های این کوه، تاکنون دو گونه گیاهی اندمیک در آن «هزار خار سُماموسی یا هزار خار رامسری» و «گوش‌خری سُماموسی» شناسایی شده است. ارزش‌های زیستی و جغرافیایی این منطقه سبب شده است یک اثر طبیعی ملی، یک منطقه حفاظت‌شده و یک منطقه شکارممنوع در دامنه‌های این کوه ثبت شود. علاوه‌براین، این مجموعه کوهستانی در سال ۱۳۹۸ به شماره ۶۸۴ در فهرست میراث طبیعی کشور ثبت شد.

نام‌های گوناگونی چون «سُموموس»، «سُمام‌موز»، «سُمام»، «سُمومو‌ز»، «سُماموس (شاه‌سُمام)»، «سوماسیاه» که ریشه در تفاوت‌های گویشی در میان گویشوران گیلکی در نقاط مختلف گیلان و مازندران دارند، همگی به کوهی اشاره دارند که امروزه به سُماموس معروف است (هرچند بسیاری از افراد به اشتباه آن را «سَماموس» تلفظ می‌کنند).

از دیدگاه ارتفاع، سماموس الزاماً کوهی شاخص از قلل البرز و حتی البرز غربی محسوب نمی‌شود، اما شرایط و ویژگی‌های طبیعی و انسانی این کوه سبب شده از شهرت بسزایی برخوردار باشد. یکی از دلایل این شهرت، قرار گرفتن این قله در جایگاه مرتفع‌ترین قله استان گیلان است. این کوه با موقعیت "۲۶ ۳۶°۵۰ عرض جغرافیایی شمالی و "۰۳ ۵۰°۲۳ طول جغرافیایی شرقی، در شرق استان گیلان هم‌مرز با استان مازندران و در میان شهرهای رامسر، چابکسر، واجارگاه و رحیم‌آباد واقع شده است. سُماموس با ارتفاع سه هزار و ۷۰۳ متر، سه قله به‌نام‌های کوچ سُموموس (سماموس)، پیلِ سُموموس (سماموس) و کوچ سُموموس غربی (سی‌پُشت) دارد.

در پیرامون کوه سماموس، آبادی‌های فراوانی شکل گرفته‌اند؛ از جوردشت (جواهردشت) در شمال، تا چَلمرود، نیلو، سَجیران و کاکرود در غرب، یاسور، دلیجان، سیاوش‌کوه و عروس‌محله در جنوب‌غربی و آبادی‌های نمک‌دره، سَده، جنت‌رودبار و جورده (جواهرده) در شرق و جنوب‌شرقی آن. علاوه‌براین، ده‌ها سرای گالشی و مناطق ییلاقی معروف بر دامنه‌ها و یال‌های این کوه پراکنده‌اند؛ از لَپاسَر، میان‌کلام، نی‌دشت و هفت‌خانی در جنوب تا ییلاق‌های راشه، علم‌سَرا و چنارچال از غرب به شرق دامنه شمالی. در توده کوهستانی سُماموس، صخره‌هایی وجود دارد که به‌دلیلِ شکلشان دارای شهرت هستند، که می‌توان از «شیرگش» در مسیر جواهردشت به توکه‌سَر در حوالی قلّه سُماموس، «گیشه‌تَله» و «نقاره‌تَله» در خطالرأس جنوب‌غربی چنارچال و «شیرکش» در شرق قله سماموس در شمال‌غربی روبارگش و «تیر بِزه سنگ» در مسیر سُماموس به بُزابن نام برد. علاوه‌براین، دو آستانه بر دو قله عمده آن وجود دارد؛ آستانه سیّدعلی و آستانه دیگر بر مرتفع‌ترین نقطه یال غربی آن، بر کوه سی‌پُشت.

از دیدگاه جغرافیایی سیاسی و تقسیمات اداری، قله این توده کوهستانی در بخش رحیم‌آباد شهرستان رودسر، در دهستان اِشکوَر سفلی واقع است. بخش‌های مختلف این توده کوهستانی، در دهستان‌های مختلفی گسترده شده با این توضیح که ورود به مباحث مرزبندی بخش و دهستان، شهرستان، برازنده یک سامانه طبیعی همچون کوهستان نیست. دامنه‌های شمالی آن در دهستان سیاهکلرود و اوشیان از بخش چابکسر و بخش‌هایی از دامنه شرقی و جنوب‌شرقی آن در استان مازندران، شهرستان رامسر، دهستان‌های سخت‌سَر و جنت‌رودبار قرار گرفته است. این کوه از دیدگاه جغرافیای تاریخی میان سه منطقه جغرافیایی مهم قرار دارد؛ اِشکوَر در مناطق غربی و جنوب‌غربی، سیاهکلرود-جوردشت در شمال و منطقه جغرافیای جنت‌رودبار که دامنه‌های شرقی این کوه منطبق بر آن است.

سُماموس توده‌ای نسبتاً منفرد در رشته‌کوه البرز است. این کوه به‌سبب جدایی نسبی از خطالرأس اصلی البرز و پیش‌آمدگی‌اش تا حوالی دریای کاسپین چهره‌ای متمایز دارد و در بیشتر مناطق جلگه مرکزی و شرقی گیلان خودنمایی می‌کند. دامنه و جبهه شمالی آن بی‌واسطه به سواحل کم‌ارتفاع و پست دریای کاسپین می‌رسد و همین پیوستگی مستقیم سبب شده است جبهه شمالی این کوه با اختلاف ارتفاعی و نیم‌رخی حدود سه هزار و ۸۰۰ متر، متفاوت از تمامی کوه‌های رشته‌کوه البرز از آستارا تا گرگان باشد. از دید ناظری در جلگه، چنین رُخی در کمتر کوهی مشاهده می‌شود. سماسوس از سوی غرب به دره عمیق پل‌رود (منطقه اِشکوَر) و از شرق به دره چالک‌رود منتهی می‌شود. ازاین‌رو، در سه جبهه شمالی، شرقی و غربی از بدنه اصلی البرز جداست و تنها در بخش کوچکی از دامنه جنوب‌شرقی، از راه کوه بُزابن، با بدنه اصلی البرز در ارتباط است.

> گستره کوه سماموس شامل بلندی‌های خشن، سخت‌گذر همراه با دره‌های تنگ و ژرف است. فاصله قله تا خط ساحلی دریای کاسپین ۲۴ کیلومتر است؛ این نزدیکی نشان‌دهنده شیب خیلی زیاد این توده و تغییرهای شدید ارتفاعی در این محدوده است

وضعیت ناهمواری

گستره کوه سُماموس شامل بلندی‌های خشن، سخت‌گذر، همراه با دره‌های تنگ و ژرف است. فاصله آن در خط مستقیم از قله کوه به خط ساحلی دریای کاسپین ۲۴ کیلومتر است؛ این نزدیکی نشان‌دهنده شیب خیلی زیاد این توده به‌سمت دریا (شمال) در یک فاصله کوتاه و تغییرهای شدید ارتفاعی در این محدوده است. یال‌های منشعب سماموس، خط تقسیم آب میان حوضه رودخانه‌های غرب مازندران و شرق گیلان مانند پل‌رود، سُموش، اَزدهارود، صفارود و... را پدید آورده‌اند. این توده کوهستانی، تاقدیسی مرکب است، محور عمومی آن از دامنه جنوب‌شرقی، در حوالی آبادی گرماب‌دشت در دره پُل‌رود (در جنوب‌شرقی جاده رحیم‌آباد-اِشکوَر)، آغاز می‌شود و تا شمال‌غربی جاده رامسر-جورده (در محدوده پارک جنگلی صفارود) امتداد می‌یابد. محور این تاقدیس، قوسی با تحدب رو به جنوب دارد: از پارک جنگلی صفارود با جهت شمال‌شرقی-جنوب‌غربی تا قله سُماموس ادامه می‌یابد و قله‌های چاله‌سَر، پُشتاور، اَرک‌سَر، گبون و رورب‌کَش بر این یال جای گرفته‌اند.

یال دیگر از قله اصلی آغاز می‌شود و با جهت جنوب‌شرقی-شمال‌غربی تا جنوب‌شرقی آبادی گرماب‌دشت، در محل تونل زیاز در جاده اِشکوَر، ادامه می‌یابد؛ قله‌های توکه‌سَر، ریزینه‌بُن و سی‌پُشت روی این یال قرار دارند. قله اصلی سماموس در رأس این قوس جای گرفته است.

این تاقدیس مرکب به‌وسیله ده‌ها گسل در جهات مختلف، گاه عمود و گاه موازی با محور آن، شکسته شده است. این مسئله در شکل‌گیری ناهمواری‌ها و سیمای توپوگرافی این کوهستان نقش مهمی دارد.

این میان دو گسل، از بقیه مهم‌ترند. گسل نخست، راندگی سُماموس که از حوالی جنوب آبادی جوردشت (سرای چوپانی دورگه‌دشت) شروع می‌شود، با جهت شرقی-غربی، دیواره و پرتگاهی گسلی در یال شمالی-شمال‌غربی در انتهای حوضه سُموش به وجود آورده است. پرتگاه سنگی گسل تا جنوب آبادی سَجیران کشیده می‌شود.

ساختار زمین‌شناسی کوه سماموس تأثیر زیادی در شکل و فرم کلی آن دارد. قسمت بزرگی از دامنه‌های غربی و جنوب‌غربی کوه از سنگ‌های کنگلومرا ساخته شده که در مناطق مختلف مثل اطراف روستاهای لیما، کاکرود و جورده، پرتگاه‌ها و سنگ‌نماهای بزرگی پدید آورده‌اند. در خطالرأس و دامنه‌های غربی و جنوبی، سنگ‌های آهکی پرتگاه‌های بلند و صخره‌ای را شکل داده‌اند. به همین دلیل، حتی اگر در جنوب قله مناطقی نسبتاً هموار وجود داشته باشد، برخی بخش‌های کوه با پرتگاه‌های بلند صخره‌ای پایان می‌یابند. در منطقه گُلام داغوله که در جنوب‌غربی قله اصلی قرار دارد، چندین دریاچه فصلی در بهار به‌دلیل آب جاری از قلل اطراف شکل می‌گیرند. قلل مهم اطراف این منطقه همه ارتفاع بالای سه هزار متر دارند، مثل سُماموس (۳۷۰۳ متر) و لزنچاک (۳۳۴۹ متر) در شرق، کوه سوته‌سرا (۳۱۲۳ متر) و هفت‌خانی (۳۰۶۴ متر) در جنوب و چند کوه دیگر در غرب و شمال‌غربی.

در دامنه جنوبی کوه، سنگ‌های آهکی دوره ژوراسیک و کرتاسه به‌دلیل انحلال و فرسایش، دره‌های عمیق و کانیونی شکل داده‌اند که مشهورترین آنها دره شیلی‌سرا است. مسیر این دره از پسکلاسی تا لپاسر کشیده شده است.

ادامه خطالرأس‌های کوه سُماموس به‌سمت دریای کاسپین، مجموعه‌ای از کوه‌های جنگلی را شکل می‌دهد، که به شرح آنها از شرق استان در مرز مازندران به‌سوی غرب تا دره پُل‌رود به‌عنوان مرز طبیعی پایانی یال‌های منشعب از سُماموس می‌پردازیم. این کوه‌ها شامل ارتفاعات جنوبی مناطق شرقی گیلان مثل چابکسر، اوشیان، قاسم‌آباد، سیاهکلرود و رحیم‌آباد هستند. یکی از خطالرأس‌های اصلی سماموس به‌سمت شمال‌شرق از قله منشعب شده و تا کوه ایلمیلی در مرز گیلان و مازندران ادامه دارد که میاناب رودخانه‌های صفارود و آچیرود را شکل می‌دهد. کوه‌های این خطالرأس شامل وَژک، اَرک‌سَر، پُشتاوَر و چاله‌سَر هستند. یال دیگر، از کوه اَرک‌سَر به‌سمت شمال‌غربی تا جنوب قاسم‌آباد سفلی امتداد دارد. در این مسیر تمشه‌کوه (با ارتفاع دو هزار و ۴۱۰ متر) اولین کوه بدون پوشش جنگلی در شرق گیلان است. در شمال تمشه‌کوه، ییلاقی واقع شده و خطالرأس به کوه خنم‌گردن و سپس تارم‌کوه (یک‌هزار و ۷۱۴ متر) می‌رسد. این کوه‌ها سرشاخه‌های رودخانه‌های آچیرود و خشکه‌رود هستند.

بعد از تارم‌کوه ارتفاع خطالرأس کاهش می‌یابد و به قلل پیل‌گیشار و کوچ‌گیشار می‌رسد. جبهه شمالی گیشار به دره سیاه‌لات منتهی می‌شود. در جبهه رو به دریای البرز، کوه بلک‌کوه (ارتفاع ۳۷۷ متر) و شاه‌سرمس (۴۸۲ متر) قرار دارند. کوه‌های دیگری مثل لَجین‌کی، تله‌سر و اَژقله‌گردن در جنوب و جنوب‌شرقی گوزل‌بُن روی خطالرأسی در میاناب رودخانه‌های مرسارود و کوش‌کوه قرار دارند.

آخرین کوه‌های این منطقه پیش از دره پل‌رود، زبیله‌گردن و قلعه‌گردن هستند. به‌دلیل وجود دره‌های عمیق اطراف مثل پل‌رود، کاکرود، تُکامجان و چالک‌رود و همچنین جبهه مسطح شمالی روبه‌روی دریای خزر، کوه سماموس شکلی توده‌ای و فلات‌مانند پیدا کرده است. اختلاف ارتفاع زیاد، مثل رخ شمالی حدود سه هزار و ۸۰۰ متر و بخش‌های دشت‌مانند در جنوب (مانند داغوله)، این وضعیت را در نقشه و تصاویر ماهواره‌ای به‌خوبی نشان می‌دهد.

در دامنه‌های گیلانی کوه سُماموس، ۶۹۳ چشمه شناسایی شده است. وجود لایه‌های ضخیم آهکی و شرایط آب‌وهوایی مناسب، به‌ویژه بارش برف زیاد به‌دلیل نزدیکی به دریای خزر، باعث فراوانی این چشمه‌ها شده است. چشمه‌ها در مناطق کوهستانی مهم‌ترین منبع آب محسوب می‌شوند و بسیاری از روستاها و سراهای گالشی در دامنه‌های کوه به همین چشمه‌ها وابسته‌اند. چشمه‌های معروفی مثل درازمالگه (سجیران) و سیاه‌چشمه (آب معدن) لپاسر در این منطقه قرار دارند.

کوه سماموس به‌عنوان منبع اصلی آب برای جوامع اطراف از کلاچای تا شرق رامسر و مناطق کوهستانی اشک‌ور و جنت‌رودبار شناخته می‌شود. بزرگ‌ترین رودخانه گیلان، پل‌رود، نیز بخشی از آب خود را از این کوه دریافت می‌کند. رودخانه‌های مهمی مثل پل‌رود، سموش، گزاف‌رود، خشکه‌رود، آچی‌رود، صفارود، نسارود و چالک‌رود از این کوه سرچشمه می‌گیرند و به دریای خزر می‌ریزند.

به‌دلیل اهمیت زیستی و منابع آبی این کوهستان، بخشی از دامنه‌های آن به‌عنوان اثر طبیعی ملی، منطقه حفاظت‌شده و منطقه شکارممنوع تعیین شده است.

منطقه حفاظت‌شده سَرولات-جواهردشت

این منطقه با مساحت ۲۱ هزار و ۲۵۴ هکتار در شرق استان گیلان (بخشی از آن در استان مازندران) واقع شده است. سرولات و جواهردشت در سال ۱۳۷۸ منطقه حفاظت‌شده اعلام شد. این ناحیه (با حداقل ۱۰ متر و ارتفاع حداکثر سه هزار و ۵۰۰ متر از سطح دریای آزاد) منطقه‌ای کوهستانی است که در پای کوه سماموس واقع شده است و به‌واسطه بارش زیاد (۱۱۵۰ میلی‌متر در سال)، رودخانه‌های فراوانی را در خود جای داده است. سیمای غالب منطقه جنگلی است و در ارتفاعات اکوسیستم علفزار جایگزین جنگل می‌شود. وجود اختلاف ارتفاع زیاد سبب شکل‌گیری جوامع و تیپ‌های گیاهی (به‌ویژه جنگلی) شده است. گونه‌های گیاهی بارز منطقه عبارت‌اند از: ممرز، راش، آزاد، انجیلی، شمشاد، شیردار، پلت، نمدار، ملج، لیلکی، فندق، گردو، بلند مازو. از جمله گونه‌های مهم جانوری منطقه می‌توان به کل و بز، مرال، شوکا، گراز، گربه‌جنگلی، شنگ، خرس قهوه‌ای، پلنگ، قرقاول، کبک دری و ماهی قزل‌آلای خال‌قرمز اشاره کرد. کل‌وبز یکی از گونه‌های بارز این منطقه است که بیشترین جمعیت این گونه در گیلان را دارا است.

منطقه شکارممنوع اِشکوَرات

این منطقه با مساحتی معادل ۳۰ هزار و ۳۴۷ هکتار و محیطی در حدود ۸۲ کیلومتر، در شهرستان رودسر واقع شده است و آذر ۱۳۸۱ از سوی سازمان حفاظت محیط‌زیست به‌عنوان منطقه شکارممنوع اعلام شد و فروردین ۸۷ برای مدت پنج سال دیگر تمدید شد. قسمت اعظم جنوب و غرب این منطقه پوشیده از جنگل است و بقیه آن را اراضی دیم تشکیل می‌دهد. از نظر پستی و بلندی دامنه، ارتفاعی بین ۵۰۰ تا دو هزار و ۵۰۰ متر را دربرمی‌گیرد که سرشاخه‌های متعددی از رودخانه‌های گزاف‌رود و پل‌رود در این منطقه جاری است. بلوط، راش، انجیلی، آزاد، گردو و فندق از گیاهان چوبی شاخص منطقه است و از مهم‌ترین جانوران آن می‌توان به مرال، شوکا، خرس قهوه‌ای، پلنگ، گرگ، قرقاول، عقاب جنگلی، عقاب طلایی، سارگپه و طرلان اشاره کرد.

چشمه «دم‌کش فَکِجوَر»

چشمه منحصربه‌فرد «دم‌کش فَکِجوَر» در محدوده‌ای به مساحت ۵۰۰ مترمربع در مجاورت آبادی فَکِجوَر در شهرستان رودسر واقع شده است. آبادی فکجور از شمال به آبادی کرات‌محله، از شرق به کبوترآبکش و ولاب‌سر و از غرب به میش‌سرا و از جنوب به پورسرا و پشته‌سران محدود می‌شود. جریان آبی متناوب این چشمه منظره بدیعی می‌آفریند که بازدیدکنندگان بسیاری را به‌ویژه در فصل تابستان به خود جلب می‌کند. تناوب جریان آب چشمه معمولاً هر ۳۰ تا ۴۵ دقیقه تکرار می‌شود و ممکن است چند ساعت یا حتی چند روز خشک بماند. در حال حاضر از آب چشمه برای آبیاری مزارع پایین‌دست نیز استفاده می‌شود. شمشادستانی به مساحت ۸۰۰ مترمربع چشمه دم‌کش را احاطه کرده است. این چشمه در سال ۱۳۸۸ به‌عنوان اثر طبیعی ملی ثبت شد.

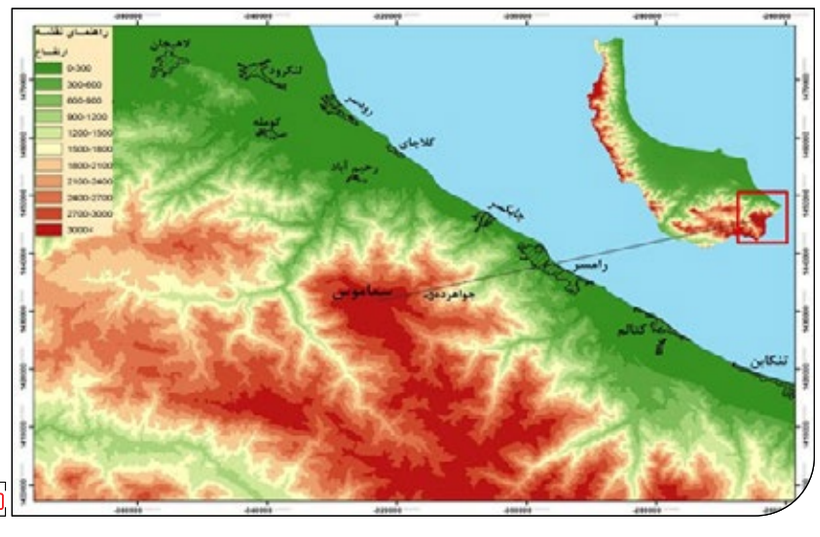

موقعیت توده کوهستانی سُماموس

یادداشت

بانکداری سنتی به اقتصاد پایدار نمی‌انجامد

| محمد فرجود |
| رئیس کمیسیون بانکداری دیجیتال سازمان نصر تهران |

در سال ۱۸۰۰ میلادی تنها سه درصد جمعیت جهان شهرنشین بودند، اما این رقم در اوایل قرن ۲۱ به بیش از ۵۰ درصد رسید و پیش‌بینی‌ها حکایت از آن دارد که تا سال ۲۰۲۵ به ۷۰ درصد برسد. تحلیلگران گرایش به شهرنشینی را اقتصادمحور می‌دانند؛ چراکه اغلب روستانشینان با انگیزه رفع نیازهای معیشتی به شهرها مهاجرت می‌کنند. همین امر سبب شده است بیش از ۸۵ درصد تولید ناخالص داخلی (GDP) کشورها در شهرها تولید شود. از سوی دیگر، میان فقر و شهرنشینی گسترده رابطه مستقیمی وجود دارد؛ یعنی دوره‌های معیوبی شکل می‌گیرد که در آن سلسله عوامل اقتصادی به‌صورت زنجیره‌ای بر یکدیگر تأثیرات منفی می‌گذارند و نتیجه آن فراخ‌تر شدن فقر است. این یعنی رشد شهرنشینی هم فرصت است و هم تهدید و به همین دلیل هم در حال تبدیل‌شدن به مسئله‌ای جهانی است.

جوامع شهری و روستایی در سراسر جهان برای رفع این چالش در تلاش‌اند تا با افزایش انعطاف‌پذیری خود در برابر فقر، نابرابری، تغییرات آب‌وهوا و... شرایط مطلوبی را برای زندگی شهروندان خود فراهم کنند. یکی از مهم‌ترین چاره‌اندیشی‌های صورت‌گرفته در این مورد، حرکت در مسیر «شهر پایدار» است.

با این تعریف که شهر پایدار شهری زیست‌پذیر، تاب‌آور و پایدار است که از طریق یک سیستم حکمروایی باز و مشارکتی ایجاد و مدیریت می‌شود. در شهر پایدار این امکان وجود دارد که نسل فعلی نیازهای خود را بدون آسیب رساندن به منابع نسل آینده برطرف کند. برای نیل به این هدف، یکی از مهمترین ارکان پایداری شهرها، برخوردار بودن از اقتصاد پایدار است. بنا به تعریف، پایداری اقتصادی عبارت است از ایجاد درآمد و ثبات آن برای افراد جامعه بدون کاهش و زوال سرمایه‌ها و ذخایر شهری. بنابراین، اقتصاد شهر پایدار باید متکی بر ایجاد درآمد پایدار، اشتغال‌زایی، سرمایه‌گذاری، گردش منابع و توسعه صنعت و تجارت پایدار بدون تأثیر نامطلوب در سرمایه‌ها و منابع شهری باشد.

با این نگاه، بانک‌ها و نهادهای مالی نقشی کلیدی در ایجاد اقتصاد پایدار و به‌تبع آن، شهر پایدار دارند. اما پرسش اصلی این است که آیا بانکداری به شیوه سنتی می‌تواند این نقش را در پایداری شهری ایفا کند؟

در سال‌های اخیر به‌ویژه با فراگیری بیماری کرونا، بانک‌ها یکی از سازمان‌هایی بودند که بیشترین تغییرات را در ارائه خدمات تجربه کردند و می‌توان گفت ناگزیر شدند به‌نوعی از بانکداری سنتی به‌سمت بانکداری دیجیتال حرکت کنند و به کمک فناوری‌های دیجیتال تغییراتی جدی را به‌ویژه در ارائه خدمات غیرحضوری، کاهش شعب، بهبود فرایندهای داخلی و کنترل هزینه‌های عملیاتی خود تجربه کردند. بانکداری دیجیتال، از یک‌سو نقشی محوری در مسیر تحول دیجیتال بانک دارد که نتیجه آن افزایش بهره‌وری و ارائه خدمات بهتر بانکی و مالی به سایر صنایع است. از سویی دیگر، باید به نقش بانکداری دیجیتال در توسعه اقتصاد دیجیتال اشاره کرد. بانکداری دیجیتال با ایجاد زمینه‌های همکاری و حمایت از شرکت‌های نوآور فعال در حزوه‌های مختلف خدمت‌رسانی به شهروندان، باعث گسترش اقتصاد دیجیتال می‌شود. بانکداری دیجیتال، با سرمایه‌گذاری در شرکت‌های نوآور، ضمن توسعه بازار خدماتی خود، سهم اقتصاد دیجیتال در تولید ناخالص کشور را افزایش و اشتغال و کارآفرینی را در جامعه گسترش می‌دهد که به‌نوبه خود، پایداری و رفاه اجتماعی را به‌همراه خواهد داشت. از دیگر تحولاتی که بانکداری دیجیتال در صنعت بانکداری ایجاد کرد، حرکت به‌سمت استفاده از ظرفیت‌های شرکت‌های نوآور فناوری اطلاعات در حوزه پولی و بانکی (فین‌تک‌ها) بود. با ورود فین‌تک‌ها به بازار مالی، موضوع نئوبانک به یکی از روندهای ارائه خدمات بانکی تبدیل شد که ضمن ساده‌سازی ارائه خدمات بانکی، تنوع‌بخشی به جامعه مشتریان بانکی را نیز به‌همراه داشت. ارائه خدماتی همچون «الان بخر، بعداً پرداخت کن» (BNPL) و وام‌دهی ساده‌تر توسط نئوبانک‌ها و توجه به جامعه مشتریانی مانند افرادی که کمتر از خدمات بانکی استفاده می‌کنند یا به‌دلیل نداشتن شغل ثابت، نمی‌توانند از خدمات اعتباری و اعتبارسنجی استفاده کنند، باعث شده است نئوبانک کارکردهای اجتماعی هم داشته باشد و به افزایش رفاه اجتماعی کمک کند که خود شاخصی در ایجاد پایداری در شهرها و جوامع محسوب می‌شود. یکی دیگر از ویژگی‌های بانکداری دیجیتال، کاهش هزینه‌های ارائه خدمات به شهروندان، برابری در دریافت خدمات و صرفه‌جویی در وقت است. در بانکداری دیجیتال، هزینه‌های عملیاتی نسبت به بانکداری سنتی کاهش یافته که نتیجه آن، کاهش هزینه ارائه خدمت است و باعث می‌شود تمامی شهروندان در سطوح مختلف مالی به یک خدمت یکسان دسترسی داشته باشند. صنعت بانکداری در ایران نیز از این تغییرات مستثنا نبوده و فرایندهای ارائه خدمات سنتی خود را متناسب با شرایط و نیاز مشتریان تغییر داده است. لازم است به این نکته نیز اشاره شود که موضوع بانکداری دیجیتال یک موضوع کسب‌وکاری است؛ نه موضوع فناوری اطلاعات و صرفاً فناوری. درحقیقت، بخش فناوری ساده‌ترین بخش این روند است و آنچه اهمیت دارد تغییر جریان فرایندها و ایجاد و طراحی فضا و کسب‌وکار جدید است. ابزارهای افتتاح حساب غیرحضوری در حال حاضر یکی از نمادهای بانکداری دیجیتال در کشور شده است و متناسب با آن، بانک‌ها به‌سمت احراز هویت دیجیتال در حال حرکت هستند و برای ارائه خدمات بهتر به مشتریان و ایجاد رفاه اجتماعی بیشتر از ظرفیت‌های شرکت‌های حوزه فین‌تک نیز استفاده کرده‌اند و این همکاری منجر به شکل‌گیری ظرفیت‌های جدید در صنعت بانکداری شده است.

درنهایت با توجه به آنچه بیان شد، بانک‌های دیجیتال با ارائه خدمات همه‌جا حاضر و نیز ساده‌سازی ارائه خدمات بانکی، به‌ویژه به گروه‌های خاص مشتریان، ارائه خدمات به‌روزتر و افزایش سطح دسترسی به خدمات مالی برای شهروندان و شرکت‌ها نقش مهمی در ایجاد پایداری و توسعه شهرهای هوشمند و پایدار دارند و در این میان، نباید از نقش‌آفرینی شرکت‌های فناوری حوزه مالی (فین‌تک) غافل شد. همچنین، با حمایت و سرمایه‌گذاری در شرکت‌های نوآور باعث توسعه اقتصاد دیجیتال می‌شود.

| گیلان |

مصرف ۳ میلیارد مترمکعب گاز طبیعی در گیلان طی ۶ ماهه نخست سال جاری

مهناز نوبری - مدیرعامل شرکت گاز استان گیلان از مصرف ۳ میلیارد مترمکعب گاز طبیعی در بخش‌های مختلف استان، طی ۶ماهه نخست سال جاری خبر داد.
مسعود برادران نصیری مدیرعامل شرکت گاز استان گیلان در تشریح میزان گاز تحویلی، طی نیمه اول سال در استان گفت: مشترکین خانگی از ابتدای سال تاکنون ۷۰۸ میلیون مترمکعب گاز مصرف کرده‌اند که حدود ۲۴ درصد گاز توزیع شده در استان طی ۶ ماه نخست سال است.
برادران نصیری در خصوص میزان تحویل گاز به صنایع نیز گفت: ۲۵۴ میلیون مترمکعب گاز طبیعی در ۶ماهه ابتدایی سال جاری به بخش صنایع تحویل داده شد و در ادامه با بیان اینکه، میزان گاز تحویلی به نیروگاه‌ها ۱ میلیارد و ۷۸۰ میلیون مترمکعب بوده است، تصریح کرد: بیشترین میزان گاز تحویلی طی ۶ ماه گذشته به بخش‌های نیروگاهی بوده است که حدود ۶۰ درصد گاز توزیع شده در سطح استان است.
مدیرعامل شرکت گاز استان گیلان بر ضرورت مصرف بهینه گاز طبیعی تاکید کرد و خاطرنشان کرد: بهینه‌سازی مصرف انرژی ضمن کاهش هزینه‌های خانوارها، گامی موثر در صیانت از منابع ملی و تضمین رفاه نسل‌های آینده است.

| کردستان |

حمایت ۵۰۰ هزار دلاری کره جنوبی از آموزش فنی و حرفه‌ای کردستان

نوشادی - سفارت کره جنوبی در تهران با اختصاص مبلغ ۵۰۰ هزار دلار از پروژه حمایت از توسعه زیرساخت‌های سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای استان کردستان پشتیبانی می‌کند.
این حمایت مالی در راستای ارتقای توان مهارتی جوانان کردستانی و با هدف تجهیز مراکز آموزشی، تأمین برق اضطراری، راه‌اندازی فناوری‌های نوین خودرو و توسعه فناوری‌های تجدیدپذیر در مراکز فنی و حرفه‌ای استان انجام می‌شود.
این اقدام در پی سفر سفیر کره جنوبی به استان کردستان و بازدید وی از ظرفیت‌های آموزشی، صنعتی و فنی استان صورت گرفت. در جریان این سفر، سفیر کره جنوبی با همراهی رئیس اتاق بازرگانی کردستان از چند مرکز فنی و حرفه‌ای و واحد صنعتی بازدید کرد و از نزدیک در جریان توانمندی‌ها و استعدادهای جوانان استان قرار گرفت.
علی‌اکبر عبدالملکی رئیس اتاق سنندج با اشاره به اهمیت توسعه مهارت‌های تخصصی در افزایش اشتغال و توانمندسازی نیروی انسانی استان گفت:این همکاری گامی ارزشمند در مسیر تقویت ارتباطات بین‌المللی و جذب حمایت‌های خارجی برای ارتقای آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در کردستان است. با استفاده از این منابع، تلاش خواهیم کرد زیرساخت‌های آموزشی به‌روز و مؤثری برای جوانان استان فراهم شود.

| کرمان |

دادستان جیرفت: نابودگران رودخانه «ملنتی» مجازات می‌شوند

بهرامجردی - دادستان عمومی و انقلاب شهرستان جیرفت با حضور در محل رودخانه «ملنتی»، از وضعیت این شریان حیاتی به‌عنوان یک فاجعه زیست‌محیطی یادکرد و از برخورد قاطع و بدون اغماض با عوامل تخریب و تجاوز به بستر رودخانه خبر داد.
افشین صالحی‌نژاد به همراه سرپرست شهرداری جیرفت و جمعی از مسئولان شهرستان از رودخانه ملنتی بازدید کرد. این اقدام در پی دریافت گزارش‌های متعدد مردمی و رسانه‌ای درباره تخلیه بی‌رویه نخاله‌های ساختمانی و برداشت‌های غیرمجاز و مخرب از بستر این رودخانه انجام شد.
او با ابراز نگرانی شدید از وضعیت فعلی رودخانه ملنتی گفت: این رودخانه امروز در حال مرگ تدریجی است و آنچه در اینجا می‌بینیم، صحنه یک فاجعه زیست‌محیطی است.
دادستان جیرفت اظهار کرد: متاسفانه برخی سودجویان و حتی برخی نهادهای مسئول، به‌جای حفاظت از این میراث طبیعی، خود به عامل نابودی آن تبدیل شده‌اند.
او با اشاره به پیامدهای خطرناک این تخلفات، هشدار داد: تخلیه نخاله‌های ساختمانی و برداشت‌های غیراصولی نه‌تنها اکوسیستم منطقه را از بین می‌برد، بلکه این رودخانه را به بمبی ساعتی تبدیل کرده که در فصل بارش، می‌تواند جان و مال مردم را تهدید کند.

خبر

تعویض ۲۴ هزار کنتور فرسوده در اصفهان

اصفهان، بهمن توکلی‌فرد - مدیرعامل آبفای استان اصفهان با بیان این‌که در شش ماه نخست سال جاری در حدود ۲۴ هزار کنتور فرسوده در سطح استان تعویض شده است بر تعویض به‌موقع کنتورهای فرسوده به‌منظور کاهش هدررفت آب و ارتقای خدمات در سطح استان تاکید کرد.
ناصر اکبری در بازدید از امور آبفای منطقه پنج شهر اصفهان در جمع مدیر و رؤسای قسمت‌های این منطقه بیان کرد: این اقدام نقش مهمی را در مدیریت بهینه مصرف آب و صدور قبض‌های عادلانه برای مشترکان ایفا می‌کند که در نهایت اصلاح الگوی مصرف و توزیع بهینه آب را در پی دارد.
او در این بازدید ضمن بررسی گزارش اقدامات انجام شده بر همکاری بین واحدهای مختلف برای سرعت‌بخشیدن به کارها و افزایش سطح رضایتمندی مردم به‌عنوان ولی‌نعمتان شرکت تاکید کرد.
او همچنین خواستار انجام امور محوله با روحیه جهادی، رفع سریع حوادث و ارائه خدمات پایدار به مشترکین شرکت شد.
پایش لحظه‌ای مخازن، سرعت‌بخشی به نصب انشعابات، پیگیری در وصول مطالبات و مدیریت توزیع آب دیگر توصیه‌های مدیرعامل آبفای استان اصفهان در دیدار کارکنان امور آب‌وفاضلاب منطقه ۵ بود.

رئیس‌کل دادگستری استان خبر داد:

جلوگیری از تعطیلی ۱۱ واحد تولیدی در گلستان

گلستان، حبیبه مومنی - رئیس‌کل دادگستری گلستان با تاکید بر حمایت قضایی از تولیدکنندگان استان گفت: با حمایت دستگاه قضا در ۶ ماه نخست سال از تعطیلی ۱۱ واحد تولیدی جلوگیری شد.
حیدر آسیابی اظهار کرد: با حمایت‌های قضایی در گلستان، فقط در یک مورد از خروج ۲۲ میلیون دلار سرمایه از استان گلستان جلوگیری شد.
رئیس‌کل دادگستری گلستان گفت: بر اساس منویات رهبر معظم انقلاب اسلامی و تاکیدات رئیس قوه قضاییه، بخش مهمی از تمرکز و اولویت دادگستری استان، بر حمایت از سرمایه‌گذاری و رفع موانع تولید با استفاده از ظرفیت ستاد اقتصاد مقاومتی دادگستری استان است.
آسیابی افزود: در همین راستا فقط در یک مورد از این حمایت‌ها با پیگیری ستاد اقتصاد مقاومتی دادگستری، مشکل توسعه یک گلخانه که برای دریافت مجوز در پیچ‌وخم‌های اداری، مدت‌ها معطل‌مانده بود، حل شد و با توسعه مساحت گلخانه از ۶ هکتار به ۱۴ هکتار در اثر حمایت‌های قضایی، مالک گلخانه در حوزه‌های مختلف دیگر نیز راغب به سرمایه‌گذاری در استان شد
او ادامه داد: در کمتر از دو سال این فعال بخش خصوصی میزان سرمایه‌گذاری خود در استان گلستان را به ۲۲ میلیون دلار رسانده است که اگر حمایت‌های قضایی نبود در استان اتفاق نمی‌افتاد.
رئیس‌کل دادگستری گلستان یکی دیگر از اقدامات مهم دادگستری استان را حمایت از سرمایه‌گذاری در منطقه آزاد اینچه‌برون برشمرد و گفت: برای سهولت سرمایه‌گذاری، صدور اسناد این منطقه آزاد در اولویت قرار گرفت و تاکنون ۱۰ هزار هکتار سند صادر شده است.
آسیابی افزود: در راه‌اندازی منطقه آزاد هر جا مشکل داشتند ورود کردیم و الان وضعیت بسیار خوبی دارد و در حال رونق‌گرفتن است.

رئیس‌کل دادگستری گلستان با تاکید بر حمایت قضایی از تولیدکنندگان استان: با حمایت دستگاه قضا در ۶ ماه نخست سال از تعطیلی ۱۱ واحد تولیدی جلوگیری شد

سیستان و بلوچستان

نصب ۳۰ درصد نیروگاه‌های خورشیدی کوچک کشور در سیستان و بلوچستان

عباس‌نژاد - استاندار سیستان و بلوچستان گفت: حدود ۳۰ درصد نیروگاه‌های خورشیدی خانگی و کوچک پنج کیلوواتی کشور در این استان نصب شده که نمونه‌ای موفق از مشارکت مردمی در توسعه است.
منصور بیجار در نشست «اقتصاد مردم‌پایه» در زاهدان با اشاره به شرایط اقتصادی کشور اظهار کرد: با وجود مسائل مالی و اداری موجود، می‌توان با تکیه بر مردم و بسیج ظرفیت‌های اجتماعی، طرح‌های بزرگی را در حوزه انرژی‌های نو و تجدیدپذیر، شیلات، گردشگری و صنایع‌دستی پیش برد.
او تاکید کرد: با وجود مشکلات و محدودیت‌های ناشی از تحریم‌های ظالمانه، ظرفیت‌های مردمی و منابع بومی این استان می‌تواند پایه اصلی تحول اقتصادی و اشتغال‌زایی باشد.
با وجود مشکلات و محدودیت‌های ناشی از تحریم‌های ظالمانه، ظرفیت‌های مردمی و منابع بومی این استان می‌تواند پایه اصلی تحول اقتصادی و اشتغال‌زایی باشد
بیجار تصریح کرد: کشور درگیر جنگ اقتصادی است اما مردم با بصیرت و آگاهی خود از نظام و انقلاب دفاع کرده‌اند و امروز زمان آن است که دولت نیز با برنامه‌ریزی دقیق به نیازهای آنان پاسخ دهد.
او افزود: نخستین گام در مسیر توسعه، شناخت درست مسئله و ظرفیت‌هاست؛ رهبر معظم انقلاب سال‌هاست بر اقتصاد مقاومتی تاکید دارند؛ اما در برخی حوزه‌ها این مفهوم به‌درستی درک و اجرا نشده است.
استاندار سیستان و بلوچستان گفت: این استان از نظر اقتصادی در سه بخش صنعت و معدن، کشاورزی و خدمات دارای توان بالایی بوده و وجود منابع معدنی کم‌نظیر، زمین‌های کشاورزی، سواحل و مرزهای گسترده با پاکستان و افغانستان، فرصت‌های بی‌بدیلی را فراهم کرده است.
بیجار اضافه کرد: سیستان و بلوچستان جوان‌ترین استان کشور است و ۶۳ درصد جمعیت آن زیر ۳۰ سال سن دارند، این جمعیت پویا می‌تواند محور تولید و اشتغال باشد؛ اما هم‌زمان باید موانع اداری و تمرکزگرایی در ساختار تصمیم‌گیری کشور کاهش یابد تا بتوان با اختیار و سرعت بیشتری عمل کرد.
او تمرکزگرایی و فرایند اداری پیچیده را از مهم‌ترین آسیب‌های کشور دانست و تصریح کرد: برای انجام یک کار کوچک گاهی باید ماه‌ها در انتظار مجوز بود درحالی‌که اقتصاد پویا نیازمند تصمیم‌گیری سریع و منعطف است.
او به‌ضرورت بهره‌گیری از ظرفیت‌های مرزی و مردمی سیستان و بلوچستان اشاره کرد و گفت: تجربه تهاتر کالا، واردات محصولات کشاورزی و ایجاد تعاونی‌های محلی نشان داده است که می‌توان با تکیه بر توان مردم، اشتغال پایدار ایجاد کرد و از وابستگی به رانت و واسطه‌گری کاست.

۲۳ هزار نفر در زاهدان زیر پوشش خدمات فاضلاب قرار گرفتند

عباس‌نژاد - سیستان و بلوچستان، مدیرعامل شرکت آب‌وفاضلاب سیستان و بلوچستان از توسعه شبکه فاضلاب در شهر زاهدان خبر داد و گفت: در ۶ ماه نخست سال جاری، ۲۳ هزار نفر از شهروندان زاهدان زیرپوشش خدمات جمع‌آوری و دفع بهداشتی فاضلاب قرار گرفتند.
فرهاد سرگلزایی افزود: در این مدت حدود ۱۳ کیلومتر شبکه جمع‌آوری فاضلاب در نقاط مختلف شهر اجرا و پنج هزار و ۷۴۹ فقره انشعاب جدید نیز برای مشترکان نصب شده است.
او اعتبار هزینه‌شده برای این عملیات را ۶۳۰ میلیارد ریال اعلام کرد و افزود: توسعه خدمات فاضلاب از اولویت‌های مهم شرکت در راستای تکمیل زیرساخت‌های شهری و افزایش سطح رفاه مردم است. مدیرعامل شرکت آب‌وفاضلاب سیستان و بلوچستان با اشاره به مزایای توسعه شبکه جمع‌آوری فاضلاب، بیان کرد: توسعه این زیرساخت‌ها علاوه بر ارتقای بهداشت عمومی و حفاظت از محیط‌زیست، با افزایش حجم فاضلاب ورودی به تصفیه‌خانه، زمینه تولید بیشتر پساب استاندارد را فراهم می‌کند.
او با بیان اینکه، پساب می‌تواند به‌عنوان منبعی پایدار و مطمئن برای آبیاری فضای سبز و تامین بخشی از نیازهای آبی صنایع مورد استفاده قرار گیرد، تأکید کرد: در واقع، توسعه شبکه فاضلاب و استفاده از پساب، حلقه‌ای کلیدی در مدیریت یکپارچه منابع آب و حفظ محیط‌زیست شهری به شمار می‌رود.

با هدف تقویت تعاملات صنعت و دانشگاه انجام شد:

نشست مدیرعامل شرکت گاز استان گلستان و رئیس دانشگاه آزاد علی‌آبادکتول

گلستان، حبیبه مومنی - در راستای افزایش سطح تعاملات و تقویت همکاری‌های فی‌مابین صنعت گاز و دانشگاه، جلسه هم‌اندیشی بین رئیس دانشگاه آزاد اسلامی واحد علی‌آبادکتول و مدیرعامل شرکت گاز استان گلستان برگزار شد.
به گزارش روابط‌عمومی شرکت گاز استان گلستان، در نشستی که به همین منظور با هدف بهره‌گیری از دانش، تجارب و نقطه‌نظرات صاحب‌نظران و اساتید مراکز دانشگاهی دانشگاه آزاد اسلامی علی‌آبادکتول در شرکت گاز تشکیل گردید در خصوص موضوع جلسه و همچنین همکاری در زمینه کمک به ناترازی انرژی بحث و تبادل نظر شد.
در این جلسه دکتر مسعود رادمهر رئیس دانشگاه آزاد اسلامی واحد علی‌آباد کتول آمادگی خود را جهت هرگونه مساعدت در زمینه کمک به بهینه‌کردن مصرف گاز، همکاری جهت رفع ناترازی و پایداری جریان گاز و افزایش سطح تعاملات فی مابین در بخش‌های مختلف صنعت گاز به‌ویژه حوزه پژوهش و فناوری اعلام کرد.
در ادامه ابوالفضل نرسی ضمن خوش آمدگویی، ارتباط صنعت با دانشگاه را بسیار سازنده اعلام کرده و نگرش شرکت‌های گاز را جهت بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های علمی و تحقیقاتی بسیار مثبت ارزیابی کرد.
مدیرعامل شرکت گاز استان گلستان با تشکر از همکاری‌های صورت‌گرفته شده در سنوات قبل افزود: دانشگاه می‌تواند با انعقاد تفاهم‌نامه‌های مختلف پژوهشی، از تجارب و توانمندی‌های ارزنده علمی اساتید به‌ویژه در ایام سرد سال که موضوع افزایش حجم مصرف گاز و ایجاد ناترازی گاز مطرح است جهت بهبود خدمات و پایداری جریان گاز به نحو مطلوبی استفاده نماید.

در راستای افزایش سطح تعاملات و تقویت همکاری‌های فی‌مابین صنعت گاز و دانشگاه، جلسه هم‌اندیشی بین رئیس دانشگاه آزاد اسلامی واحد علی‌آبادکتول و مدیرعامل شرکت گاز استان گلستان برگزار شد

معاون سرمایه‌گذاری میراث‌فرهنگی استان:

ساخت هتل در بلوار ارم پیش‌نیاز توسعه گردشگری همدان است

همدان، پرویزی سالار - معاون سرمایه‌گذاری و تامین منابع اداره کل میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی استان همدان با تاکید بر اینکه یکی از راه‌های توسعه گردشگری استان، ایجاد زیرساخت‌های گردشگری و تقویت آن است، گفت: ساخت هتل و استقرار هتل پنج‌ستاره در بلوار ارم یکی از شاخص‌های اصلی در این زمینه است. علیرضا قاسمی با اشاره به اینکه مرجع صدور مجوز در کشور، درگاه ملی مجوزها است، گفت: هر شخصی می‌تواند درخواست خود را در این درگاه مطرح کند و در ادامه بر اساس ضوابط دستگاه متولی موافقت اصولی با آن درخواست انجام می‌شود.
او با تاکید بر اینکه در خصوص ساخت هتل در بلوار ارم نیز درخواست متقاضی در این درگاه بررسی شده، افزود: در زمینه صدور مجوز ساخت هتل ممنوعیتی وجود نداشته است.
او در ادامه با تاکید بر بررسی همه ابعاد ساخت هتل در بلوار ارم، خاطرنشان کرد: مجموعه میراث‌فرهنگی در خصوص پرونده‌هایی که ممکن است با طرح‌های بالادست، مغایرت داشته باشد کارگروه‌های را تشکیل می‌دهد که در خصوص این هتل نیز گروه کاری کارگروه امور زیربنایی تشکیل و موضوع در آن بررسی شد.

رئیس مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی استان ایلام اعلام کرد:

مدیریت یکپارچه جنگل‌داری؛ راه نجات جنگل‌های زاگرس از زوال و خشکیدگی

ایلام، احمد مبارکی - رئیس مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی استان ایلام با هشدار نسبت به روند زوال جنگل‌های زاگرس، تغییرات اقلیمی را پدیده‌ای ملموس و تهدیدی جدی برای اکوسیستم‌های طبیعی کشور دانست و خواستار بازنگری در سیاست‌های حفاظتی و اجرای مدیریت یکپارچه جنگل‌داری شد.
علی نجفی فر با اشاره به اهمیت جهانی موضوع جنگل و تغییرات اقلیمی اظهار کرد: کشور ما با توجه به اقلیم خشک و نیمه‌خشک و میانگین بارندگی یک‌چهارم میانگین جهانی، در برابر تغییرات اقلیمی بسیار آسیب‌پذیر است، این پدیده دیگر موضوعی تئوریک نیست؛ بلکه در یکی دو دهه اخیر به‌وضوح در زندگی روزمره لمس می‌شود، افزایش دما و تغییر الگوهای بارندگی از نشانه‌های آشکار این تغییرات است.
او خاطرنشان کرد: نظر غالب دانشمندان این است که تغییرات اقلیمی نتیجه مستقیم فعالیت‌های انسانی است. استفاده بی‌رویه از سوخت‌های فسیلی باعث افزایش گازهای گلخانه‌ای به‌ویژه دی‌اکسیدکربن در جو شده است این گازها با ایجاد اثر گلخانه‌ای، گرمای زمین را به دام می‌اندازند و موجب افزایش دمای کره زمین می‌شوند.
نجفی‌فر ادامه داد: نور خورشید با طول موج کوتاه به زمین می‌تابد و پس از بازتاب، طول موج آن افزایش می‌یابد، گازهای گلخانه‌ای مانند دی‌اکسیدکربن در این طول موج بلند، نقش عایق را ایفا می‌کنند و مانع بازگشت گرما به فضا می‌شوند. این فرآیند باعث گرم‌تر شدن زمین و برهم خوردن تعادل اقلیمی شده است.
این دانشیار و رئیس مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی استان ایلام توضیح داد: یکی از عوامل مهم در افزایش کربن جو، نابودی جنگل‌هاست. جنگل‌ها به‌عنوان بزرگ‌ترین مخازن کربن جهان، نقش کلیدی در ترسیب این عنصر دارند. چوب از کربن تشکیل شده و از بین رفتن آن به معنای آزادسازی کربن به جو است.
او تشریح کرد: به همین دلیل، سازمان‌های بین‌المللی طرح‌های متعددی برای ترسیب کربن از طریق جنگل‌کاری اجرا کرده‌اند. این اقدامات در راستای مقابله با تغییرات اقلیمی و احیای تعادل زیستی انجام می‌شود با این حال، تخریب جنگل‌ها همچنان ادامه دارد.

رئیس مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی استان ایلام با هشدار نسبت به روند زوال جنگل‌های زاگرس، تغییرات اقلیمی را پدیده‌ای ملموس و تهدیدی جدی برای اکوسیستم‌های طبیعی کشور دانست و خواستار بازنگری در سیاست‌های حفاظتی و اجرای مدیریت یکپارچه جنگل‌داری شد

خراسان جنوبی

فرصت‌های سرمایه‌گذاری و توسعه پایدار خراسان جنوبی

بیابان لوت، میراث جهانی و فرصتی طلایی برای خراسان جنوبی

کرمانی - چهارمین همایش بین‌المللی بیابان لوت با هدف هم‌افزایی علم، سرمایه و جامعه محلی در دانشگاه بیرجند برگزار می‌شود. این رویداد علمی - پژوهشی، با تلفیق مباحث علمی و بازدیدهای میدانی، مسیر بهره‌برداری پایدار و اقتصادی از ظرفیت‌های بیابان لوت را هموار می‌کند و با حضور دانشگاهیان، مسئولان و سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی، آینده‌ای روشن برای استان ترسیم می‌کند.
محمد اسکندری‌ثانی، دبیر علمی همایش، محور اصلی این دوره را «پیوند ظرفیت‌های علمی، سرمایه‌گذاری و جامعه محلی» اعلام کرد و افزود: «تمرکز امسال بر سرمایه‌گذاری پایدار در خراسان جنوبی و بیابان لوت است تا شرکت‌های سرمایه‌گذار و سرمایه‌پذیر به هم متصل شوند و منافع به‌تمامی لایه‌های جامعه محلی برسد.»
او همچنین به محورهای نوین همایش اشاره کرد: فناوری‌های سبز، اقتصاد دیجیتال، هوش مصنوعی و نقش جامعه محلی در توسعه پایدار و تاکید کرد که بخش گردشگری یکی از فرصت‌های اصلی درآمدزایی برای جامعه محلی است.

نقش دانشگاه بیرجند و میراث‌فرهنگی

احمد خامسان، رئیس دانشگاه بیرجند، با اشاره به سابقه برگزاری همایش گفت: «این رویداد برای نخستین‌بار در دانشگاه بیرجند برگزار شد و اکنون بار دیگر به این دانشگاه بازگشته است. ستوان اصلی برگزاری، همکاری دانشگاه و اداره کل میراث‌فرهنگی استان است و مشارکت سایر دانشگاه‌ها، استانداری و نمایندگی وزارت امور خارجه نیز مکمل این همایش است.»
خامسان افزود: «روز نخست همایش با مباحث علمی مدیریت دانشگاه و روز دوم با بازدید میدانی به شهرستان نهبندان و همکاری میراث‌فرهنگی برگزار می‌شود. هدف، شناسایی و بهره‌برداری صحیح از ظرفیت‌های بیابان لوت و اشتغال‌زایی در استان است.»

اهمیت جهانی و مشارکت بین‌المللی

محمدرضا مجیدی، رئیس شورای سیاستگذاری همایش، به‌صورت وبیناری بیان کرد: «سال آینده دهمین سالگرد ثبت جهانی بیابان لوت است و این اهمیت جایگاه ویژه‌ای به آن می‌دهد. این دوره همایش با تمرکز بر ابعاد اقتصادی و سرمایه‌گذاری بیابان لوت برگزار می‌شود تا توسعه پایدار استان و کشور هموار شود.»
اسکندری‌ثانی نیز افزود: «شرکت‌کنندگان از کشورهای انگلستان، فنلاند، پرتغال، آمریکا، قزاقستان، استرالیا، هند، شیلی و عمان حضور خواهند داشت و بخش‌هایی از برنامه از طریق رسانه ملی به‌صورت زنده پخش می‌شود.»

روزنامه پیام ما
www.payamema.ir

● سه‌شنبه ۲۲ مهر ۱۴۰۴ ● سال بیست و یکم ● شماره پیاپی ۳۲۴۷

روزنامه سیاسی – اجتماعی
صاحب امتیاز و مدیرمسئول: روح‌الله خدیشی
سردبیر: فاطمه علی‌اصغر
دبیر ویژه‌نامه‌ها: شبنم شکوریان
مدیر هنری: تیوا صمدیان
دبیر عکس: یاسر خدیشی

دبیر محیط‌زیست و منابع‌طبیعی: فاطمه باباخانی
دبیر انرژی، کشاورزی و جامعه محلی: ستاره حجتی
دبیر میراث فرهنگی: فرزانه قبادی
دبیر اجتماعی: مهتاب جودکی
صفحه‌آخر: صدف سرداری
صفحه‌آرایی: علی اکبرزاده، آتنا شریف‌زاده

ویراستار: فرح ابوطالبی
خبرنگاران: فروغ فکری، حمیدرضا میرزاده، مرضیه قاضی‌زاده، مریم محمودخواه، کبریا حسین‌زاده، مرجان حاج رحیمی، سمیه ایمانیان، نادره وائلی‌زاده، کوثر نمک‌شناس، مریم کاظمی‌زاده، ریحانه حیدری، پریسا ساسانی، کوروش دیباج، مجتبی بیگلری
بازاریابی و تبلیغات: محمد زز
اداری: فاطمه آقاملایی، الهام سرگزی، شیوا کرمی

رتبه روزنامه پیام ما : ۲
نظرات‌نویسندگان دیدگاه شخصی آنان بوده و لزوما دیدگاه روزنامه نیست.

تماس دفتر تهران: ۲۸۴۲۱۹۱۰-۰۲۱
شماره نمابر: ۷۱۰۵ ۷۴۲۲-۰۲۱

تحریریه: داخلی ۱
استان‌ها: داخلی ۲

برگزاری رویداد: داخلی ۳
مدیرمسئول: داخلی ۴

آگهی استان‌ها: عرفانه بهرامجردی ۰۹۰۵۲۸۱۲۵۵۹
آگهی‌های تهران: لی‌لی میرافضل ۰۹۳۹۴۳۷۴۴۶۰

آیین‌نامه اخلاق حرفه‌ای پیام‌ما:
www.payamema.ir/akhlagh

توزیع تهران: نشرگستر (۰۲۱۶۱۹۳۳۰۰۰)
توزیع استان‌ها: جاری (۰۹۱۲۱۲۱۳۱۰۸۹)
چاپ: شاخه سبز (۰۲۵۳۳۴۴۴۲۵۶)

تهران - خیابان شریعتی - ابتدای شهید بهشتی - پلاک ۱۲ - طبقه اول / تلفن: ۲۸۴۲۱۹۱۰-۰۲۱
نشانی : کرمان، میدان آزادی، خیابان شهید بهشتی، شهید بهشتی ۱۰، نبش شرقی ۲ / تلفن: ۳۲۴۴۸۰۸۶-۰۳۴

ایمیل سازمان آگهی ها: payamema.adv@gmail.com
ایمیل تحریریه: Khabar.payamema@gmail.com

@payamema ۰۹۰۳ ۳۳۳ ۸۴۹۴
@payamema www.payamema.ir

پیام ما دیروز

تحلیلی درباره برندگان و بازندگان یک دهه تورم

بیکاران دارای درآمد

| پارسا حبیبی‌فرد |
| دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران |

اقتصاد ایران در دهه اخیر به صحنه یک پارادوکس بی‌رحمانه تبدیل شده است. در یک‌سو، کارگران و حقوق‌بگیران هر روز زیر فشار تورم افسارگسیخته فقیرتر می‌شوند و در سوی دیگر، گروهی از «بیکارانِ دارای درآمد» با دسترسی به رانت و فرصت‌های سفته‌بازی در بازارهای مالی و دارایی، نه‌تنها از کار کردن بی‌نیاز شده‌اند، بلکه ثروت‌های کلانی به دست آورده‌اند. این شکاف عمیق، اکثریت جامعه را که تنها راه درآمدی‌شان کار است، به‌سمت قماری ناخواسته سوق می‌دهد؛ آنها وادار می‌شوند برای بقا و فرار از فقر، پس‌اندازهای اندک خود را وارد بازی‌ای کنند که قواعد آن از پیش توسط برندگان همیشگی نوشته شده و سرنوشتشان از ابتدا چیزی جز باخت نیست.

دو دهه، دو سرنوشت متفاوت

برای درک عمق این شکاف، کافی است دو دوره اقتصادی را با هم مقایسه کنیم. دوره ثبات نسبی (۱۳۷۴-۱۳۸۹) با تورم میانگین ۱۶ درصد و رشد دستمزد واقعی چهار درصدی، امید به بهبود زندگی از طریق کار را زنده نگه داشته بود. اما در دوره بی‌ثباتی (۱۳۹۰ به‌بعد)، با تورم میانگین ۳۰ درصدی و رشد منفی دستمزد واقعی، این معادله کاملاً معکوس شد.

ویژگی‌ها	۱۳۷۴-۱۳۸۹	۱۳۹۰ - ۱۴۰۴
تورم رسمی	میانگین ۱۶ درصد	میانگین ۳۰ درصد
فقر مطلق	روند کاهشی ۴ درصد	روند افزایشی ۳۰ درصد
رشد دستمزد واقعی[1]	مثبت ۴ درصد به‌طور میانگین	منفی ۴.۵ درصد به‌طور میانگین
نرخ افزایش دلار	رشد تدریجی ۲.۶ برابر	جهش‌های ناگهانی – ۸۱ برابر[2]

آمارها سخن می‌گویند. در دهه ۹۰، حداقل دستمزد نه‌تنها از خط فقر و سبد معیشتی، بلکه از نرخ تورم رسمی نیز عقب ماند. درهمین‌حال، بازارهای دارایی سودی بسیار بیشتر از تورم را نصیب صاحبان خود کردند. در شرایطی که تورم افسارگسیخته قدرت خرید حقوق‌بگیران را نابود می‌کرد، صاحبان دارایی نه‌تنها در امان ماندند، بلکه ثروتمندتر نیز شدند.

بیکاران دارای درآمد به روایت آمار

آمارهای رسمی بانک مرکزی در گزارش‌های سالانه بودجه خانوار، وجود و رشد پدیده‌ای به‌نام جمعیت «با درآمد بدون کار» را تأیید می‌کند. این گروه، افرادی هستند که شاغل یا بیکار (در جست‌وجوی کار) محسوب نمی‌شوند، اما از محلی غیر از شغل، درآمد کسب می‌کنند. بررسی تحولات این گروه طی دو دهه گذشته، تصویری روشن از تغییرات ساختاری در اقتصاد خانوار ایرانی ارائه می‌دهد.

تحولات جمعیت بیکار دارای درآمد

براساس داده‌های استخراج‌شده از گزارش‌های بودجه خانوار، سهم جمعیت «با درآمد بدون کار» از کل جمعیت بالای شش سال، از ۵.۹ درصد در سال ۱۳۸۳ به ۱۴.۵ درصد در سال ۱۴۰۲ رسیده است. این آمار نشان‌دهنده افزایشی حدوداً دو و نیم برابری طی بیست سال است.

روند این تحولات به شرح زیر است:

این روند صعودی، به‌ویژه جهش آن پس از سال ۱۳۸۹، نشان می‌دهد ترکیب فعالیت اقتصادی جمعیت کشور دستخوش تغییرات جدی شده و بخش قابل‌توجهی از افراد، بدون داشتن شغل رسمی، منابع درآمدی برای خود تعریف کرده‌اند.

تغییرات سهم درآمد غیرشغلی

این افزایش جمعیت با رشد سهم «درآمدهای متفرقه» در سبد درآمدی خانوارها نیز همخوانی دارد. این دسته درآمدی در گزارش‌های بانک مرکزی شامل حقوق بازنشستگی، درآمد حاصل از اجاره املاک و سود سپرده‌های بانکی و اوراق مشارکت می‌شود. در سال ۱۳۸۳ سهم درآمدهای متفرقه از کل درآمد ناخالص خانوار شهری ۱۲.۹ درصد بود. این سهم در سال ۱۳۸۹ به ۲۰.۰ درصد جهش کرد. درنهایت، در سال ۱۴۰۲ این رقم به ۲۷.۳ درصد از کل درآمد ناخالص خانوار رسید. این آمار نشان می‌دهد بیش از یک‌چهارم کل درآمد خانوارهای شهری از منابعی غیر از اشتغال مستقیم (شغل آزاد یا مزدبگیری) تأمین می‌شود که این خود گویای عمیق‌تر شدن پدیده مورد بحث است.

شکل‌گیری اقتصاد غیرمولد

بخشی از این افزایش درآمد غیرشغلی، نتیجه طبیعی افزایش جمعیت بازنشستگان و اجرای طرح‌های حمایتی دولتی (مانند پرداخت یارانه نقدی) است. این درآمدها، اگرچه شغل محسوب نمی‌شوند، اما حاصل سال‌ها کار و پس‌انداز (در مورد بازنشستگی) یا سیاست‌های بازتوزیعی دولت هستند و باید از سایر درآمدهای غیرشغلی تفکیک شوند. بااین‌حال، رشد چشمگیر و دو و نیم برابری جمعیت «با درآمد بدون کار» را نمی‌توان تنها با این دو عامل توضیح داد. این افزایش، نشان‌دهنده شکل‌گیری یک اقتصاد غیرمولد است که در آن، بخش قابل‌توجهی از جامعه با استفاده از راه‌هایی مانند واسطه‌گری (دلالی)، اجاره‌داری و کسب سود از سپرده‌های بانکی، خود را از کار کردن بی‌نیاز کرده‌اند.

در شرایطی که تورم بالا و بازدهی پایین در بخش‌های تولیدی حاکم است، کسب درآمد از فعالیت‌های غیرمولد، جذابیت بیشتری پیدا کرده و باعث شده است افراد به‌جای مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی مولد، به‌سمت منابع درآمدی حرکت کنند که ارزش‌افزوده‌ای برای اقتصاد کشور ایجاد نمی‌کند. این پدیده، زنگ خطری جدی برای پایداری رشد اقتصادی و سلامت بازار کار در بلندمدت است. بازیگران بزرگ اقتصاد نیز به این آتش دامن زدند. گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس به وضوح نشان می‌دهد درحالی‌که شرکت‌های غیرمالی (بخش مولد) همچنان بیش از ۶۰ درصد پس‌انداز خود را به سرمایه‌گذاری واقعی و فیزیکی اختصاص می‌دهند.

در سوی دیگر، شرکت‌های مالی و بخش نفت و گاز با تخصیص بیش از ۹۵ درصد منابع خود به سرمایه‌گذاری‌های غیرفیزیکی (مالی)، عملاً تمام توان خود را بر سوداگری متمرکز کرده‌اند. این پدیده تصادفی نیست؛ ریشه آن در «مالی‌شدن» لگام‌گسیخته اقتصاد ایران است. مالی‌شدن یعنی کیک اقتصاد بیش از آنکه توسط بخش‌های مولد (صنعت و کشاورزی) پخته شود، در بخش‌های غیرمولد (مالی و مستغلات) توزیع می‌شود.

یکی از بهترین شاخص‌ها برای سنجش این پدیده، نسبت ارزش‌افزوده بخش‌های مالی و مستغلات به کل تولید ناخالص داخلی است.

تحلیل داده‌های بانک مرکزی نشان می‌دهد این سهم از ۱۲ درصد در سال ۱۳۹۰، به اوج ۱۷ درصدی خود در سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ رسید. این اعداد به‌معنای آن است که یک تکه بزرگ‌تر از کیک اقتصاد ایران، توسط بخشی تولید می‌شود که ذاتاً با سوداگری و جابه‌جایی پول سروکار دارد، نه تولید واقعی. اقتصاد ایران در دهه اخیر، روایتی از یک شکاف عمیق است: درحالی‌که تورم مزمن، قدرت خرید کارگران و حقوق‌بگیران را نابود کرده، یک طبقه نوظهور از «بیکارانِ دارای درآمد» از طریق سوداگری در بازارهای غیرمولد، نه‌تنها ثروتمندتر شده‌اند بلکه از کار کردن بی‌نیاز گشته‌اند.

[۱] تفاضل نرخ افزایش حداقل دستمزد اسمی از نرخ تورم سالیانه.

[۲] با نرخ دلار ۹۰ هزار تومانی محاسبه شده است.

| ادبیات |

بازنمایی طبقه کارگر در سینما

کتاب «طبقه بر پرده سینما: طبقه کارگر جهانی در سینمای معاصر» نوشته «سارا آتفیلد» با ترجمه «سروش خانی» و از سوی نشر افکار جدید منتشر شد. این اثر، به تحلیل بازنمایی طبقه کارگر در سینمای معاصر می‌پردازد و نشان می‌دهد چگونه فیلم‌هایی چون «متأسفم که مزاحمتان می‌شوم» و «این است انگلستان» تجربه‌های مشترک کارگران را با وجود تفاوت‌های نژادی و فرهنگی بازتاب می‌دهند. آتفیلد بر اهمیت این بازنمایی‌ها در شکل‌دادن به برداشت عمومی از زندگی کارگری تأکید می‌کند. کتاب در ۳۹۰ صفحه و با قیمت ۶۵۰ هزار تومان عرضه شده است. |ایسنا

| سینما |

نسخه ترمیم‌شده «سفر» در جشنواره فیلم لندن

فیلم کوتاه «سفر» به کارگردانی «بهرام بیضایی»، پس از مرمت و بازسازی، در شصت‌ونهمین جشنواره بین‌المللی فیلم لندن به نمایش درمی‌آید. این فیلم سیاه‌وسفید ۳۳دقیقه‌ای که در سال ۱۳۵۱ ساخته شده است، نخستین حضور بین‌المللی نسخه ترمیم‌شده‌اش را تجربه می‌کند. «سفر» پیش‌تر جوایزی از جشنواره‌های مسکو و شیکاگو کسب کرده است. این نسخه در استودیو روشنا با مدیریت «کامران سحرخیز» و حمایت کانون پرورش فکری بازسازی شده است و روزهای ۱۷ و ۲۱ مهر ۱۴۰۴ (۹ و ۱۳ اکتبر ۲۰۲۵) در لندن به نمایش گذاشته می‌شود.|ایسنا

| حاشیه |

برخورد با عوامل تولید عروسک‌های «مرتضی» و «مرضیه»

دادستانی تهران دستور تعقیب و بازداشت عوامل تولید عروسک‌هایی به‌نام «مرتضی» و «مرضیه» را به‌دلیل «توهین به مقدسات» صادر کرد. براساس گزارش‌های ارسال‌شده به دادستانی تهران مبنی‌بر طراحی و تبلیغ عروسک‌هایی که با استفاده از «نام‌های مقدس» به مشتریان فروخته می‌شود، دادستان تهران به ضابطین دستگاه قضائی دستور داد تا فوراً عوامل اصلی تولید، توزیع و تبلیغ این عروسک‌ها را شناسایی کنند و پس از تکمیل پرونده، متهمان را به دستگاه قضائی تحویل دهد. هدف دادستانی از این دستور، معرفی عوامل پشت صحنه‌ای است که اقدام به تولید، توزیع و تبلیغ این محصولات کرده‌اند. در روزهای اخیر عرضه عروسک‌هایی با نام‌های «مرتضی» و «مرضیه» واکنش گسترده‌ای در میان کاربران فضای مجازی برانگیخته است. این عروسک‌ها که به‌عنوان ابزارهای ضداسترس در بعضی فروشگاه‌های اینترنتی به فروش می‌رسیدند، به‌دلیل استفاده از نام‌های مقدس، مصداق بی‌احترامی به ارزش‌های دینی تلقی شده‌اند و توزیع آنها خشم برخی را در فضای مجازی برانگیخته است.

روز بیستم مهرماه هم کارزاری در دسته «آسیب‌های اجتماعی» خبرگزاری فارس تحت عنوان «قبح‌شکنی از نام‌های مقدس» به راه افتاد که در آن استفاده از اسم‌های «مرتضی» و «مرضیه» برای عروسک‌های گوریل و خوک «قبح‌زدایی از اهانت به نام‌هایی که برای شیعیان قداست دارند»، شناخته شده و پرسیده شده بود که «چرا از نام‌های به‌اصطلاح مدرن استفاده نکردند». این کارزار بیش از پنج هزار امضا جمع کرده است.

| کاوش |

آغاز مطالعات نوسنگی در دشت مغان

کاوش در «تپه بئی باغلی (قشلاق تپه‌سی)» با هدف تدوین ویژگی فرهنگی نوسنگی جدید در مناطق شرقی شمال‌غرب ایران و همچنین ارائه بازه زمانی این فرهنگ‌ها در چارچوب گاهنگاری باستان‌شناسی ایران در حال انجام است. «قادر ابراهیمی»، سرپرست هیئت باستان‌شناسی، با اعلام این خبر گفت: «در حوزه مطالعات باستان‌شناسی در پیش‌ازتاریخ ایران، شرق آذربایجان جزو مناطق ناشناخته، گمنام و مهجور در باستان‌شناسی محسوب می‌شود. با وجود پتانسیل و قابلیت‌های زیست‌محیطی بالای این منطقه متأسفانه اندک پژوهش‌های صورت‌گرفته نیز هنوز نتوانسته چارچوب‌های فرهنگی پیش‌ازتاریخ این منطقه به‌درستی تبیین کند. هر چند کاوش در این منطقه با کاوش‌های دمورگان در گورستانی‌های بی‌نظیر این منطقه هم‌زمان با آغاز کاوش‌های باستان‌شناسی در شوش باستان آغاز شده است، اما هنوز در باستان‌شناسی ایران برای این منطقه چارچوب توالی فرهنگی مشخصی تدوین نشده است.» این باستان‌شناس گفت: «کاوش در قشلاق تپه‌سی بئی باغلی در تلاش است تا بخشی از خلأ مطالعات این منطقه را در دوران نوسنگی جدید پر کند. این محوطه از معدود محوطه‌های متعلق به دوران نوسنگی در استان اردبیل و یک استقرار کوچک متعلق به دوره نوسنگی جدید است که روی یک تپه کاملاً طبیعی شکل گرفته است.» سرپرست هیئت باستان‌شناسی گفت: «متأسفانه در سال‌های اخیر در اثر تعریض جاده ترانزیتی بیله‌سوار بیشتر از نصف این محوطه توسط ادوات راهسازی کاملاً تخریب شده و از بین رفته و امروزه تنها بخش کوچکی از استقرار نوسنگی در گوشه غربی محوطه برجا مانده است.» |پژوهشگاه میراث‌فرهنگی و گردشگری

| گردشگری |

کاهش ۹۰ درصدی حضور گردشگران با خشکی «سراب نیلوفر»

مدیرعامل شرکت توسعه گردشگری استان از کاهش ۹۰ درصدی بازدید گردشگران از مجموعه تفریحی توریستی «سراب نیلوفر» کرمانشاه به‌دنبال خشکیدن این دریاچه خبر داد. «سیدمحمد امین حسینی» با اشاره به خشکیدن سراب نیلوفر، گفت: «موضوع خشکیدن سرآب نیلوفر فقط مربوط به امسال نیست، بلکه در سال‌های گذشته نیز سابقه داشته است، با این تفاوت که امسال دو ماه زودتر از گذشته خشک شد. متأسفانه خشکیدن سرآب نیلوفر تأثیر زیادی روی آمار بازدید گردشگران از آن داشته است، به‌شکلی که طی دو ماه اخیر که این سرآب خشک شده، حدود ۹۰ درصد کاهش آمار بازدیدکننده از این مجموعه را داشته‌ایم. تا سال گذشته در زمان پیک سفر و روزهای تعطیل حدود چهار تا پنج هزار نفر در روز از سرآب نیلوفر بازدید می‌کردند، اما اکنون در روزهای تعطیل در خوشبینانه‌ترین حالت حدود ۵۰ تا ۷۰ بازدیدکننده و در سایر روزها حدود ۲۰ بازدید کننده داریم.» او افزایش حفر چاه‌های غیرمجاز را عامل اصلی خشک‌شدن این دریاچه اعلام کرد و گفت: «متأسفانه هیچ نظارت و کنترلی روی حفر چاه‌های غیرمجاز در اطراف سرآب نیلوفر وجود ندارد و اگر روزانه گشتی در زمین‌های کشاورزی اطراف سرآب نیلوفر بزنید، با افراد و دستگاه‌های متعددی مواجه می‌شوید که در حال حفر چاه‌های غیرمجاز هستند. از طرفی زمین‌های کشاورزی اطراف این مجموعه به‌صورت دو کشت و سه کشت هستند و این امر باعث شده است کشاورزان از آب بیشتری برای تولید محصولات خود استفاده کنند.»|ایسنا

مناقصه عمومی دو مرحله ای همزمان با ارزیابی کیفی

اجرای عملیات آسفالت معابر سطح شهر ماهان

شهرداری ماهان در نظر دارد فراخوان مناقصه عمومی دو مرحله ای همزمان با ارزیابی کیفی آسفالت معابر سطح شهربه شماره مناقصه ۲۰۰۴۰۹۳۷۲۳۰۰۰۰۰۶ را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری فراخوان از دریافت و تحویل اسناد فراخوان تا بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد.

متقاضیان شرکت در فراخوان در صورت عدم عضویت در سامانه، نسبت به ثبت نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی (به صورت برخط) برای کلیه صاحبان امضای مجاز و مهر سازمانی اقدام لازم را به عمل آورند.

پشتیبانی سامانه ستاد:۱۴۵۶

مواعد زمانی:

- تاریخ انتشار فراخوان:۱۴۰۴/۰۷/۲۱ ساعت ۱۲
- مهلت دریافت اسناد فراخوان: ۱۴۰۴/۰۷/۲۸ ساعت ۱۹
- مهلت ارسال پیشنهادات: ۱۴۰۴/۰۸/۱۲ ساعت ۱۹
- زمان بازگشایی پاکت ها: ۱۴۰۴/۰۸/۱۳

نوع و مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار: ضمانت نامه بانکی یا فیش بانکی به مبلغ ۱۵/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ریال

اطلاعات تماس و آدرس دستگاه :ماهان-خیابان امام خمینی –شهرداری ماهان-۰۳۴۳۳۷۷۲۷۲۷

مصطفی رجبی شهردار ماهان